

مروری بر ابتکار UN8 و برنامه اصلاحات حکمرانی در سازمان ملل متحد

زیر سقف چهل هزار قطعنامه

اصلاحات در سازمان ملل متحد موضوع تازه‌ای نیست. از دهه‌ها پیش مباحثی درباره اصلاح شورای امنیت، جایگاه حق وتو آینده شورای قیومیت و نحوه تصمیم‌گیری در ارکان اصلی سازمان ملل مطرح بوده است و در برخی موارد نیز به نتایج عملی منجر شده است. با این حال، ابتکار UN8 که در مارچ ۲۰۲۵ به ابتکار آنتونیو گوتیش، دبیرکل سازمان ملل متحد، آغاز شد از جهاتی با تلاش‌های اصلاحی پیشین تفاوت دارد

۵

تالاب‌ها آبگیری شدند اما احیاناً نه!

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در پاسخ به «پیام ما»: اقداماتی برای احیای برخی تالاب‌ها و مدیریت زیست‌بومی آن‌ها انجام شده است. درباره دریاچه ارومیه نیز اقداماتی صورت گرفته، اما باید تأکید کنم که از منظر اکولوژیک هنوز نمی‌توان گفت احیا اتفاق افتاده است. بخشی از وضعیت فعلی حاصل اقدامات اجرایی و بخشی دیگر ناشی از بارش‌های مناسب بوده است

۳

حذف «شربت اپيوم» از چرخه درمان پایدار اعتیاد، نگرانی پزشکان را افزایش داد

بازگشت به تریاک به جای درمان

۲

خوانشی انتقادی بر منطق «توزیع اجباری» در موزه‌های ایران

یتیم‌خانه‌هنر

۴

«نوید پویش»، مجموعه‌دار

از تاریخ و کارکرد تمبرها در جهان می‌گوید

سفیران

کاغذی فرهنگ

۸

گزارشی از ۵۶ نوزاد به‌زیستی فارس که در جنگ به خانواده‌های دیگر سپرده شدند

چهل روز

در آغوش امن

۶

روزنامه سایه‌ما

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۲۱ | دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payama.ir

یادداشت |

جنگ و شکستن پیوند کودکان با طبیعت



ایدرام کمالی |

اکارشناس آموزش و کنشگر
حوزه کودک و محیط‌زیست |

۶

تابستانی گرم‌تر از همیشه

هواشناسی هشدار داده که بارش‌های امسال سدها را پر کرده است

اما تابستان پیش‌رو گرم‌ترین فصل سال‌های اخیر خواهد بود

۲

معدن در زیستگاه گورخرها

شورای عالی محیط زیست با واگذاری بخشی از منطقه حفاظت شده بهرام‌گور به یک معدن موافقت کرده است

۳

یادداشت |

فناوری در کدام سوی زندگی ایستاده است؟

بدن‌های خسته در عصر نوآوری

آیا رابطه کاربر و پزشک و بیمار را انسانی‌تر می‌کند یا بدن بیمار و متقاضی دریافت خدمت را صرفاً به‌عنوان عدد، تصویر و داده می‌بیند و ارزیابی می‌کند؟

بر این باورم که طرح این نوع پرسش‌ها مانع توسعه و نوآوری نیستند. برعکس، نوآوری را جدی‌تر می‌گیرند؛ چراکه نوآوری فقط در لحظه تولید یا فروش رخ نمی‌دهد؛ بلکه نوآوری زمانی کامل می‌شود که وارد زندگی مردم شود. در آن لحظه است که فناوری باتن و جان آدم‌ها، با عواطف و جهان بیرونی بشر چون ترس، امید، هزینه، اعتماد، خانواده، محیط‌زیست و آینده پیوند می‌خورد. این مسئله در زمانه بحران حساس‌تر هم می‌شود. باید فراموش نکنیم که فناوری همیشه در هیئت درمان، آموزش، رفاه یا پیشرفت ظاهر نمی‌شود. بخشی از توان فناورانه جهان همواره در خدمت جنگ، تخریب زیرساخت‌ها، عملیات روانی، جاسوسی، هدایت افکار عمومی، اختلال در زندگی روزمره و فرسودن جامعه مخاطب به کار گرفته شده و می‌شود؛ بنابراین همان توان نوآورانه‌ای که می‌تواند پزشکی را دقیق‌تر، آموزش را گسترده‌تر و ارتباط را آسان‌تر کند، می‌تواند اضطراب را پخش کند، ترس را سازمان دهد، بدن‌ها را در وضعیت انتظار نگه دارد و جامعه را پیش از ویرانی فیزیکی، از درون خسته کند.

پس پرسش از نوآوری، فقط پرسش از محصول و بازار نیست. پرسش از این هم هست که فناوری در کدام سمت زندگی ایستاده است؟ در سمت تصمیم بدن، یا در سمت تخریب و زوال آن؟ بنابراین برای جامعه‌ای مثل ایران که سال‌ها با بحران‌های پی‌درپی زندگی کرده، فقط دستیابی به فناوری‌های سریع‌تر و بازار بزرگ‌تر نیاز نیست؛ بلکه به نوآوری‌ای نیاز دارد که تجربه زیسته مردم را هم بفهمد، بدن‌های خسته را هم ببیند، اعتماد، دسترسی، کرامت و ترمیم اجتماعی را هم بخشی از مسئله تعریف کند. به نظر اگر فناوری فقط به بازار برسد؛ اما به بدن‌های آسیب‌دیده نرسد، اگر محصول بسازد؛ اما توان ترمیم زندگی را نداشته باشد، اگر داده تولید کند؛ اما رنج را نفهمد، نامش هرچه باشد، نوآوری فراگیر نیست.

در ذهن من، صحنه چاپلین در عصر جدید هنوز تمام نشده است. فقط ماشین‌ها عوض شدند. با این تفاوت که گاهی ماشین، خط خنک‌کنندگی و... از نمونه‌های قبلی پیشرفته‌تر، کارتر و کم‌مصرف‌تر، باشد و فروش خوبی هم داشته باشد و در کل نمونه موفق‌تری از یک تولید دانش‌بنیان هم به حساب بیاید. اما هنوز چند پرسش باقی است، اینکه این دستگاه برای چه بدنی طراحی شده است؟ آیا فقط بیمار شهری برخوردار را پیش گرفته، یا بیمار مناطق محروم را هم می‌بیند؟ آیا هزینه استفاده از آن خانواده‌ها را زیر فشار می‌برد؟

بی‌توجهی به بازار در بسیاری از موارد، یعنی تولید ایده‌هایی که تنها در گزارش‌ها، نمایشگاه‌ها و جلسات باقی می‌مانند و هرگز به زندگی واقعی مردم نمی‌رسند. اما بازار همیشه واسطه‌ای بی‌طرف نیست. مسئله این است که بازار معمولاً نیازی را زودتر می‌بیند که قدرت خرید دارد. مسئله‌ای را جدی‌تر می‌گیرد که بتواند به تقاضای سودآور تبدیل شود. در نتیجه ممکن است از دیدن حاشیه‌ها، بدن‌های خسته، کم‌توانان، انسان‌های دور از مرکز، آسیب‌دیده یا بی‌صدا غافل شود. اینجاست که باید از خودمان بپرسیم، آیا هر محصولی که فروش دارد، واقعاً زندگی را بهتر می‌کند؟ آیا هر فناوری‌ای که به بازار برسد، لزوماً به معنای عمیق کلمه فراگیر است؟

این پرسش‌ها نه بر نفی نهاد بازار که بیشتر بر مخالفت با سده‌سازی، مقوله تجاری‌سازی استوار است. دغدغه‌های سیاست‌گذار علم و فناوری معمولاً این است که چند شرکت دانش‌بنیان ایجاد شده؟ یا کدام برنامه و سیاست چند محصول را بیشتر تجاری‌سازی کرده و به بازار رسانده؟ میزان سرمایه جذب شده و بازگشت آن چقدر بوده؟ چند اختراع ثبت شده؟ یا فلان مشوق چه حجمی از صادرات را ارتقا داده است؟ این البته که پرسش‌هایی مهم و لازم‌اند، اما کنار آن‌ها باید پرسش‌های دیگری هم بنشیند، اینکه این نوآوری با تجربه زیسته مردم چه می‌کند؟ یا بدن بیمار کودک، سالمند، کارگر خانواده کم‌برخوردار شهروند بی‌خواب و جامعه فرسوده چه نسبتی برقرار می‌کند؟ برای طرح چنین پرسش‌هایی، شاید اندیشه «دانا هاروی» بتواند تا حدودی راهگشا باشد. اهمیت هاروی برای این بحث در افزودن اصطلاحات دشوار نیست. نکته اصلی او این است که هیچ دانشی، هیچ فناوری‌ای و هیچ تصمیمی از جایی کاملاً خنثی و بی‌طرف صادر نمی‌شود. هر فناوری، از دل یک نوع نگاه، یک موقعیت منحصر به فرد، یک نهاد ویژه و یک زبان و پیش‌فرض خاص از آفرینندگان آن بیرون می‌آید. هاروی در بحث دانش موقعیت‌مند (situated knowledge) از دانشی سخن می‌گوید که جایی‌مند و محدود است، نه دانشی که انمود می‌کند از هیچ جا به همه چیز نگاه می‌کند و رویکرد و نگاهی خالی از ایدئولوژی یا خنثی دارد.

حالا اگر این نگاه را وارد سیاست نوآوری کنیم، پرسش‌ها دقیق‌تر هم می‌شوند. مثلاً وقتی می‌گویم یک فناوری «نیاز جامعه» را پاسخ می‌دهد، باید بپرسیم کدام جامعه؟ وقتی می‌گویم بازار به محصولی پاسخ مثبت داده، باید بپرسیم کدام بازار؟ وقتی می‌گویم مردم از یک خدمت نوآورانه استقبال کرده‌اند، باید بپرسیم کدام مردم دیده شده‌اند و کدام مردم بیرون مانده‌اند؟ بگذارید برایتان مثالی بزنم، بیایید یک دستگاه جدید در حوزه تجهیزات پزشکی را در نظر بگیریم. مثلاً دستگاه لیزر موهای زائد بدن، ممکن است آن دستگاه از نظر دقت طول‌موج‌های ارسال، خنک‌کنندگی و... از نمونه‌های قبلی پیشرفته‌تر، کارتر و کم‌مصرف‌تر، باشد و فروش خوبی هم داشته باشد و در کل نمونه موفق‌تری از یک تولید دانش‌بنیان هم به حساب بیاید. اما هنوز چند پرسش باقی است، اینکه این دستگاه برای چه بدنی طراحی شده است؟ آیا فقط بیمار شهری برخوردار را پیش گرفته، یا بیمار مناطق محروم را هم می‌بیند؟ آیا هزینه استفاده از آن خانواده‌ها را زیر فشار می‌برد؟

اسهراب آسا |

اکارشناس ارشد سیاست‌گذاری علم و فناوری |

در یکی از مشهورترین صحنه‌های سینمایی قرن بیستم، «چارلی چاپلین» در فیلم «عصر جدید» کنار خط تولید ایستاده است. کار او در ظاهر ساده است، باید پیچ‌ها را روی تسمه‌ای متحرک سفت کند. اما تسمه تندتر و تندتر می‌شود، بدن او از ریتم انسانی خود جدا می‌افتد، دست‌هایش حتی پس از توقف کار همچنان در هوادنبال پیچ می‌گردند، و سرانجام خود آدم در دل ماشین فرومی‌رود. این صحنه فقط شوخی با کارخانه نیست، تصویری است از لحظه‌ای که گرما، سرعت و تولید، بدن انسان را فراموش می‌شود. روایت رسمی بنیاد چاپلین نیز شخصیت او را کارگری در عصر پرشتاب کارخانه معرفی می‌کند که کارش سفت کردن مکانیکی پیچ‌ها روی تسمه متحرک است و یکنواختی کار را روزی از پای‌اندازد.

اما امروز ماشین‌های ما فقط آن چرخ‌دنده‌ها و خطوط کنترل نیستند. «ماشین» می‌تواند در شکل الگوریتم باشد، در شکل سامانه‌های هوش مصنوعی، پلتفرم‌های سلامت، تجهیزات پزشکی، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، ابزار جنگی، سامانه‌های نظارتی یا هر محصول دانش‌بنیان جدیدی. به تصور من شکل ماشین دیگر عوض شده است. به همین خاطر پرسشی در ذهنم شکل می‌گیرد که وقتی فناوری وارد زندگی می‌شود، با بدن ما انسان‌ها چه می‌کند؟ آیا بدن‌هایمان را آزادتر می‌کند یا بیشتر در مدار فشار، اضطراب و مصرف و کنترل قرار می‌گیریم؟

به نظر جامعه ایران این پرسش را با پوست و گوشت و استخوان تجربه کرده و زیسته. سال‌ها سال بحران و فشار اقتصادی، تهدید، جنگ، مهاجرت و سوگ جمعی و آینده نامطمئن و مبهم با بدن مردم کاری کرده‌اند که در آماهای رسمی به‌سادگی دیده نمی‌شود. از این رهگذر باید گفت جامعه فقط با تورم، عدم توسعه، بیکاری یا تولیدات سرسام‌آور صنعتی آسیب نمی‌بیند، بلکه باتن‌هایی آسیب می‌بیند که مدام در حالت انتظار، اضطراب، بی‌خوابی، خستگی، خشم فروخورده و بی‌حسی زندگی می‌کنند. بخشی از ویرانی اجتماعی همین‌جاست، جایی که بدن‌ها آن قدر مشت خورده و در معرض فشار قرار می‌گیرند که کم‌کم یاد می‌گیرند کمتر حس کنند. در چنین وضعی، سخن گفتن با ادبیات و زبان قدیمی در حوزه نوآوری که فقط متمرکز بر محصول، بازار و شرکت باشد کافی نیست. در ادبیات تخصصی، نوآوری، ایده‌ای خام یا تنها اختراعی جدید نیست، راهنمای اسلوه که یکی از منابع اصلی سنجش نوآوری است، نوآوری را محصولی با فرایندی تازه یا بهبود یافته در نظر می‌گیرد که تفاوت معناداری با گذشته داشته باشد و در اختیار کاربران بالقوه قرار گیرد یا در عمل به کار گرفته شده باشد.

از این منظر «بازار» مهم است. چراکه بازاری یکی از راه‌هایی است که محصول یا خدمت تازه را به مردم می‌رساند. می‌تواند نیازها را آشکار کند، موجب رقابت شود، کیفیت را بالا ببرد، هزینه‌ها را کاهش دهد و مسیر گسترش و توسعه فناوری را باز کند و این حرف غلط نیست که



آسمان که می‌سوزد، کسی به دود فکر نمی‌کند

درباره فشارهای کوتاه‌مدت می‌ایستد؟

سازمان حفاظت محیط‌زیست، طبق قانون، ابزارهایی دارد که کمتر از آن‌ها استفاده می‌شود؛ حق وتوی طرح‌های توسعه‌ای فاقد ارزیابی زیست‌محیطی، اختیار توقف پروژه‌های مخرب و صلاحیت پیگرد قانونی متخلفان. اما این ابزارها تنها وقتی معنا دارند که اراده استفاده از آن‌ها وجود داشته باشد، نه در اطلاعیه‌ها، بلکه در تصمیم‌های واقعی. انتظار از رئیس سازمان در این دوران صرفاً مدیریت بحران نیست؛ رهبری سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاری‌ای که استانداردهای زیست‌محیطی را نه به‌عنوان مانع توسعه، بلکه به‌عنوان شرط لازم توسعه پایدار تعریف کند. در چنین شرایطی، عقب‌نشینی از حوزه مأموریتی سازمان، نه واقع‌بینی است و نه مدیریت بحران؛ بلکه تسلیم شدن در برابر فشارهایی است که آینده محیط‌زیست کشور را پیش فروش می‌کنند. اما نباید همه بار بار دوش یک سازمان دولتی گذاشت. فعالان حوزه محیط‌زیست از روزنامه‌نگاران و پژوهشگران گرفته تا سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران محلی نقش دارند که هیچ دستگاه دولتی نمی‌تواند جایگزینش شود. دیده‌بان مستمر مستندسازی آنچه پنهان می‌ماند، و ساختن فشار اجتماعی که بدون آن هیچ قانونی اجرایی نمی‌شود. جنبش محیط‌زیست آمریکا بدون «راهل کارسون» و کتاب «بهار خاموش» و از شکل نمی‌گرفت. تحول سیاست‌های زیست‌محیطی اروپا بدون نسل‌ها فعال مدنی که در خیابان، دادگاه و رسانه حاضر شدند، ممکن نبود. در ایران نیز اگرچه فضا محدودتر است، اما همین فعالان بوده‌اند که بحران ارومیه و حفاظت از هیکانی و یوز را در دستور عمومی نگه داشتند. صدای جنگل‌های آبی شدند. داده جمع کردند وقتی کسی نمی‌خواست داده‌ها دیده شوند. ادامه این نقش، در شرایط فعلی، شجاعت می‌طلبد، اما ضرورتی است که نمی‌توان از آن گریخت. هفته محیط‌زیست اگر قرار است بیش از یک مناسبت تقویمی باشد، باید به چند اقدام عملی منجر شود. در سطح ملی، سازمان حفاظت محیط‌زیست باید گزارش شفاف سالانه‌ای از وضعیت ارزیابی‌های زیست‌محیطی طرح‌های استانی منتشر کند. چه تعداد رد شده، چه تعداد تأیید و چه مبنایی. در سطح استانی استانداران و مدیران کل محیط‌زیست باید پاسخگوی شاخص‌های زیست‌محیطی باشند، نه فقط شاخص‌های اقتصادی. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول فعالیت هستند، باید ظرفیت پایش محلی را تقویت کنند. هر استان، هر حوضه آبریز، هر جنگل ناظر محلی خودش را می‌خواهد. توسعه‌ای که آن‌ها را تخلیه یا جنگل را تخریب می‌کند، توسعه نیست، هزینه‌ای است که نسل بعد می‌پردازد. در سطح جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهادی که همچنان مشغول



مهر ۱۳۹۸

حذف «شربت اپیوم» از چرخه درمان پایدار اعتیاد، نگرانی پزشکان را افزایش داد بازگشت به تریاک به جای درمان

تولید و مصرف خانگی مواد مخدر، ایران را تهدید می کند

هم‌زمان با کمبود شربت تریاک در کشور و کنار گذاشته شدن آن در چرخه رسمی درمان اعتیاد، نگرانی‌ها در مورد سرنوشت ۵۰۰ هزار بیمار تحت درمان و امکان بازگشت این افراد به مصرف تریاک، باتوجه‌به افزایش کشت غیرقانونی خشخاش در کشور افزایش پیدا کرده است، این در حالی است که به گفته درمانگران اعتیاد، سیاست‌های نادرست وزارت بهداشت یکی از عوامل اصلی این وضعیت است.

بهداشت و درمان مجلس، بر اساس آمارهای رسمی، سطح زیر کشت خشخاش در کشور از حدود ۹ هزار و ۳۴۵ هکتار در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به حدود ۳۲ هزار هکتار در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ رسیده که نشان‌دهنده رشد ۲۴۶ درصدی این پدیده است.

جمالیاں با اشاره به تفاوت وضعیت استان‌ها در درمان اعتیاد، در ماه‌های اخیر با انتقادهای گسترده‌ای از سوی پزشکان و فعالان حوزه درمان سوءمصرف مواد همراه شده و هم‌زمان نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان این افراد به دنبال داشته است.

این کمبودها در حالی به وجود آمده است که از تابستان سال گذشته موضوع کشت قانونی «شقایق اولیفر» برای مقاصد دارویی و درمانی مطرح شد، امری که به دنبال کاهش کشفیات مواد مخدر در پی ممنوعیت کشت خشخاش توسط طالبان در افغانستان و در نتیجه کاهش قاچاق آن به ایران در پی درخواست وزارت بهداشت و برخی نمایندگان مجلس مطرح شد.

افزایش کشت غیرقانونی خشخاش
به‌رغم این موضوع به نظر می‌رسد که کشت قانونی شقایق اولیفر با وجود صدور مجوزهای کشت، هنوز به جایی نرسیده و در مقابل کشت غیرقانونی خشخاش در برخی از استان‌های کشور روبه‌افزایش گذاشته است.

به گفته «سید محمد جمالیاں»، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر اساس آمارهای رسمی، سطح زیر کشت خشخاش در کشور از حدود ۹ هزار و ۳۴۵ هکتار در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به حدود ۳۲ هزار هکتار در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ رسیده که نشان‌دهنده رشد ۲۴۶ درصدی این پدیده است.

جمالیاں با اشاره به تفاوت وضعیت استان‌ها در درمان اعتیاد، در ماه‌های اخیر با انتقادهای گسترده‌ای از سوی پزشکان و فعالان حوزه درمان سوءمصرف مواد همراه شده و هم‌زمان نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان این افراد به دنبال داشته است.

این کمبودها در حالی به وجود آمده است که از تابستان سال گذشته موضوع کشت قانونی «شقایق اولیفر» برای مقاصد دارویی و درمانی مطرح شد، امری که به دنبال کاهش کشفیات مواد مخدر در پی ممنوعیت کشت خشخاش توسط طالبان در افغانستان و در نتیجه کاهش قاچاق آن به ایران در پی درخواست وزارت بهداشت و برخی نمایندگان مجلس مطرح شد.

افزایش کشت غیرقانونی خشخاش
به‌رغم این موضوع به نظر می‌رسد که کشت قانونی شقایق اولیفر با وجود صدور مجوزهای کشت، هنوز به جایی نرسیده و در مقابل کشت غیرقانونی خشخاش در برخی از استان‌های کشور روبه‌افزایش گذاشته است.

به گفته «سید محمد جمالیاں»، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر اساس آمارهای رسمی، سطح زیر کشت خشخاش در کشور از حدود ۹ هزار و ۳۴۵ هکتار در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به حدود ۳۲ هزار هکتار در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ رسیده که نشان‌دهنده رشد ۲۴۶ درصدی این پدیده است.

جمالیاں با اشاره به تفاوت وضعیت استان‌ها در درمان اعتیاد، در ماه‌های اخیر با انتقادهای گسترده‌ای از سوی پزشکان و فعالان حوزه درمان سوءمصرف مواد همراه شده و هم‌زمان نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان این افراد به دنبال داشته است.

این کمبودها در حالی به وجود آمده است که از تابستان سال گذشته موضوع کشت قانونی «شقایق اولیفر» برای مقاصد دارویی و درمانی مطرح شد، امری که به دنبال کاهش کشفیات مواد مخدر در پی ممنوعیت کشت خشخاش توسط طالبان در افغانستان و در نتیجه کاهش قاچاق آن به ایران در پی درخواست وزارت بهداشت و برخی نمایندگان مجلس مطرح شد.

افزایش کشت غیرقانونی خشخاش
به‌رغم این موضوع به نظر می‌رسد که کشت قانونی شقایق اولیفر با وجود صدور مجوزهای کشت، هنوز به جایی نرسیده و در مقابل کشت غیرقانونی خشخاش در برخی از استان‌های کشور روبه‌افزایش گذاشته است.

به گفته «سید محمد جمالیاں»، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر اساس آمارهای رسمی، سطح زیر کشت خشخاش در کشور از حدود ۹ هزار و ۳۴۵ هکتار در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به حدود ۳۲ هزار هکتار در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ رسیده که نشان‌دهنده رشد ۲۴۶ درصدی این پدیده است.

جمالیاں با اشاره به تفاوت وضعیت استان‌ها در درمان اعتیاد، در ماه‌های اخیر با انتقادهای گسترده‌ای از سوی پزشکان و فعالان حوزه درمان سوءمصرف مواد همراه شده و هم‌زمان نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان این افراد به دنبال داشته است.

این کمبودها در حالی به وجود آمده است که از تابستان سال گذشته موضوع کشت قانونی «شقایق اولیفر» برای مقاصد دارویی و درمانی مطرح شد، امری که به دنبال کاهش کشفیات مواد مخدر در پی ممنوعیت کشت خشخاش توسط طالبان در افغانستان و در نتیجه کاهش قاچاق آن به ایران در پی درخواست وزارت بهداشت و برخی نمایندگان مجلس مطرح شد.

افزایش کشت غیرقانونی خشخاش
به‌رغم این موضوع به نظر می‌رسد که کشت قانونی شقایق اولیفر با وجود صدور مجوزهای کشت، هنوز به جایی نرسیده و در مقابل کشت غیرقانونی خشخاش در برخی از استان‌های کشور روبه‌افزایش گذاشته است.

به گفته «سید محمد جمالیاں»، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر اساس آمارهای رسمی، سطح زیر کشت خشخاش در کشور از حدود ۹ هزار و ۳۴۵ هکتار در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به حدود ۳۲ هزار هکتار در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ رسیده که نشان‌دهنده رشد ۲۴۶ درصدی این پدیده است.

جمالیاں با اشاره به تفاوت وضعیت استان‌ها در درمان اعتیاد، در ماه‌های اخیر با انتقادهای گسترده‌ای از سوی پزشکان و فعالان حوزه درمان سوءمصرف مواد همراه شده و هم‌زمان نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان این افراد به دنبال داشته است.

این کمبودها در حالی به وجود آمده است که از تابستان سال گذشته موضوع کشت قانونی «شقایق اولیفر» برای مقاصد دارویی و درمانی مطرح شد، امری که به دنبال کاهش کشفیات مواد مخدر در پی ممنوعیت کشت خشخاش توسط طالبان در افغانستان و در نتیجه کاهش قاچاق آن به ایران در پی درخواست وزارت بهداشت و برخی نمایندگان مجلس مطرح شد.

افزایش کشت غیرقانونی خشخاش
به‌رغم این موضوع به نظر می‌رسد که کشت قانونی شقایق اولیفر با وجود صدور مجوزهای کشت، هنوز به جایی نرسیده و در مقابل کشت غیرقانونی خشخاش در برخی از استان‌های کشور روبه‌افزایش گذاشته است.

سوءمصرف مواد مخدر به‌ویژه مصرف‌کنندگان تریاک مورد استفاده قرار می‌گیرد، از چرخه درمان ۵۰۰ هزار درمان‌جو کنار گذاشته شده و خطر بازگشت این افراد به چرخه مصرف را به وجود آورد، مسئله‌ای که انتقادات بسیاری را از سوی پزشکان درمانگر اعتیاد در کشور به وجود آورده است. روز یکشنبه انجمن پزشکان عمومی در نامه‌ای به «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهور، در مورد تبعات این تصمیم هشدار دادند، در این نامه با اشاره به اختلال ایجادشده در تأمین و توزیع این دارو، تأکید شده است که بخش قابل‌توجهی از بیماران تحت درمان با تنتور اپیوم، امکان یا تمایل ادامه درمان با داروهای جایگزین را نداشته‌اند و این موضوع می‌تواند به خروج بیماران از چرخه درمان و افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر شود.

انجمن پزشکان عمومی ایران همچنین خواستار بازنگری فوری در این تصمیم و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان، انجمن‌های علمی و فعالان حوزه درمان اعتیاد شده است. «علی غلامی»، رئیس کانون درمانگران اعتیاد در گفت‌وگو با «پیام ما» ضمن حمایت از نامه انجمن پزشکان عمومی کشور، در مورد وضعیت کنونی عرضه داروی اپیوم، اظهار کرد: «مدتی است که شربت اپیوم با کمبود شدید مواجه شده و بسیاری از بیماران و مراکز درمانی در تأمین آن دچار مشکل هستند. درحالی‌که این دارو یکی از روش‌های مؤثر درمان جایگزین برای بیماران وابسته به مواد افیونی محسوب می‌شود، عملاً بدون برنامه‌ریزی دقیق و بدون فراهم‌شدن جایگزین مناسب، از چرخه درمان کنار گذاشته شده است.»

کم‌کاری وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو
او با اشاره به تحولات سال‌های گذشته در حوزه مواد مخدر افزود: «در سال‌های گذشته و هم‌زمان با کاهش کشت خشخاش توسط طالبان در افغانستان، کل سیستم تأمین مواد اولیه مخدر در منطقه دچار تغییر شد. اما نکته مبهم اینجاست که با وجود هشدارهای مکرر، وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو برای تأمین نیاز داخلی اقدام مؤثری انجام ندادند. ستاد مبارزه با مواد مخدر بارها به وزارت بهداشت مکاتبه کرده بود که باید برای تأمین مواد اولیه دارویی اقدام شود، اما هیچ‌گاه برنامه مشخص و شفاف‌تری ارائه نشد.»

به گفته او، ماده ۴۱ قانون مبارزه با مواد مخدر تأکید دارد که وزارت بهداشت باید برای تهیه داروهای موردنیاز اقدام به کشت شقایق دارویی کند، اما این ظرفیت مورد استفاده قرار نگرفت؛ «قبل از اینکه ذخایر موجود به پایان برسد، باید ناگهان تصمیم‌گیری‌های لازم انجام می‌شد. اما ناگهان یکی از روش‌های درمانی مؤثر که در بسیاری از کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، بدون نظرخواهی از متخصصان، صاحبان دانش این حوزه و ذی‌نفعان کنار گذاشته شد.»

بازگشت بیماران به چرخه مصرف
غلامی در مورد سرنوشت بیماران که در فرایند درمان خود برای آنها شربت اپیوم تجویز شده است، گفت: «در هیچ‌جا دنیا درمان جایگزین را به این شکل ناگهانی حذف نمی‌کنند، آن هم در شرایطی که بخش قابل‌توجهی از مصرف‌مواد در جامعه مربوط به هروئین و مشتقات آن است. حتی در بیماران سرطانی نیز گاهی از داروهای مشتق از تریاک برای کنترل درد استفاده می‌شود. اما مجموعه اقداماتی که در وزارت بهداشت انجام

ترجمه کرده، خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌نشده در ساعات اوج مصرف، و فشاری که در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ سنگین‌تر از بقیه احساس می‌شود.

سد پر، تضمین تابستان راحت نیست
تاجبخش در اظهاراتش از مناطق بحرانی نام برده است؛ تهران، مشهد، استان مرکزی، همدان و بخش‌هایی از دامنه جنوبی البرز. اینها مناطقی هستند که هم جمعیت زیادی دارند، هم در مسیر موج‌های گرمایی قرار می‌گیرند، و هم زیرساخت‌های شهری‌شان در تابستان‌های شدید‌ترین فشار را تحمل می‌کنند.

وضعیت آب در این مناطق هم همگن نیست. همان گزارش رسمی که از پرشدگی ۷۲ درصدی سد امیرکبیر خبر می‌دهد، تصریح می‌کند که بهبود بازنگری امسال «تأثیر قابل‌توجهی بر منابع آبی استان تهران نداشته است.» سد «ماملو» همچنان کمترین حجم آب را در میان سد‌های تهران دارد. شبکه توزیع آب پایتخت، فرسوده و نامتوازن است. ساختمان‌های بلندمرتبه در خاموشی‌های برق، اول‌زهمه آب را از دست می‌دهند.



مهر ۱۳۹۸

پرداخت ۷۰ درصد هزینه‌های سلامت از جیب مردم

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، پرداختی از جیب مردم در حوزه سلامت را بین ۵۵ تا ۷۰ درصد اعلام کرد.

«حسینعلی شهبازی» گفت: «در موضوع افزایش قیمت دارو و تجهیزات پزشکی، جلسات متعددی با رئیس‌جمهوری برگزار کرده‌ایم و پیش‌ازاین نیز مکاتبات متعددی در این خصوص انجام شده بود و زمانی که بحث حذف کامل ارز ترجیحی مطرح شد، پیش از آن از ۴۲۰۰ تومانی در این حوزه اختصاص پیدا می‌کرد همواره این نقد مطرح بود که ارز ترجیحی در محل واقعی خود مصرف نمی‌شود که این مسئله تا حدی نیز صحیح بود.»

او افزود: «تجربه مجلس در این زمینه چندان موفق نبود؛ به این معنا که مجلس منابع لازم را در بودجه پیش‌بینی می‌کرد تا این اعتبارات در اختیار بیمه‌ها قرار گیرد و بیمه‌ها هزینه خدمات را پوشش دهند تا پرداختی از جیب مردم افزایش پیدا نکند و بر اساس سیاست‌های کلی و ابلاغی رهبر شهیدمان نیز مقرر شده بود که حداکثر پرداختی از جیب مردم در حوزه سلامت از ۳۰ درصد فراتر نرود که متأسفانه این هدف صرفاً در دو سال ابتدایی دولت اول آقای روحانی تا حدودی محقق شد و پرداختی از جیب مردم به حدود ۳۰ درصد رسید، اما پس از آن دیگر این وضعیت استمرار پیدا نکرد و اکنون با کمالات تأسف باید اعلام کنم که میزان پرداختی از جیب مردم در حوزه سلامت در حال حاضر بین ۵۵ تا ۷۰ درصد برآورد می‌شود.»

هشدار درباره احتکار وگران‌فروشی تجهیزات بیمارستانی

سرپرست دفتر بازرسی و مدیریت عملکرد سازمان غذا و دارو نسبت به عواقب عدم پاسخگویی، تعطیلی غیرموجه، تقدفروشی و گران‌فروشی توسط تأمین‌کنندگان تجهیزات پزشکی هشدار داد.

«سعید مهرزادی» با اشاره به گزارش‌های واصله از مراکز درمانی مبنی بر برخی چالش‌های زنجیره تأمین، اعلام کرد: «عدم ارائه کالا به مراکز درمانی مصداق احتکار بوده و تخلف محسوب می‌شود. در صورت مشاهده هرگونه تخلف، این اداره کل ضمن پیگیری قانونی موضوع، اقدامات نظارتی لازم را برای اصلاح روند فعالیت شرکت‌های متخلف انجام خواهد داد.»

بنا بر اعلام سازمان غذا و دارو، او افزود: «همچنین اعلام فراخوان و واردات موازی برای باز زمانی مناسب انجام شده و کالاهای مذکور پس از واردات با قیمت‌گذاری مصوب و از مسیر توزیع متمرکز در اختیار مراکز درمانی قرار خواهند گرفت.»

سرپرست دفتر بازرسی و مدیریت عملکرد سازمان غذا و دارو تأکید کرد: «وفق قوانین و مقررات، از تمام ظرفیت‌های حمایتی برای توسعه و تقویت ارائه پایدار و کیفی محصولات این حوزه استفاده خواهد شد تا سلامت بیماران و ثبات بازار تضمین شود.» ایسنا

افزایش شیوع آنفلوانزا در برخی استان‌ها

مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی آخرین وضعیت بیماری‌های حاد تنفسی در کشور تا تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ را اعلام کرد و خبر داد که آنفلوانزا در برخی استان‌ها از مرز هشدار عبور کرده است. نسبت موارد دارای علائم عفونت‌های تنفسی در هر دو گروه مراجعان سرپایی و بستری افزایش یافته است به‌طوری‌که ۵.۳ درصد از مراجعان سرپایی دارای علائم شبه‌آنفلوانزا (ILI) و ۷ درصد از مراجعان بستری دارای علائم عفونت حاد تنفسی شدید (SARI) بوده‌اند.

در چارچوب نظام مراقبت دیده‌وری، از میان ۱۴۴ نمونه تنفسی اخذ شده از بیماران دارای علائم ILI یا SARI، درصد مثبت آزمایش PCR آنفلوانزا ۳.۴ درصد گزارش شده است. در هفته موردبررسی، نسبت نمونه‌های مثبت آنفلوانزا در بیماران بستری کاهش یافته؛ اما در بیماران سرپایی افزایش داشته است. این در حالی است که نسبت مثبت آنفلوانزا در هفته مشابه سال قبل ۱.۵ درصد بوده است.

همچنین نسبت نمونه‌های مثبت کووید-۱۹ همچنان در سطح پایین گزارش شده و به‌مراتب کمتر از مدت مشابه سال قبل است؛ به‌طوری‌که این شاخص در هفته مشابه سال گذشته ۷.۹ درصد ثبت شده بود.

بر اساس داده‌های نظام مراقبت غیردیده‌وری آزمایشگاهی، در هفته یازدهم سال ۱۴۰۵، استان البرز با ۱۳.۲ درصد موارد مثبت آنفلوانزا، بالاتر از آستانه هشدار بالای (۱۰ درصد) قرار گرفته است. ایسنا

مهر ۱۳۹۸

«شورای عالی محیط‌زیست» با واگذاری بخشی از منطقه حفاظت شده «بهرام گور» به یک معدن موافقت کرده‌است

معدن در زیستگاه گورخرها

این واگذاری در حالی رخ داده که سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌گوید این زمین‌ها

ارزش حفاظتی خود را به دلیل دخل وتصرف معدن کار طی سالیان گذشته از دست داده‌اند



گورخرها



افروغ فکری ا

اروزنامه نگار

«ما از همه چیز ناامیدیم.» این را «بهمن ایزدی»، فعال محیط‌زیست در استان فارس می‌گوید. او که از چندوچون واگذاری بخش‌هایی از منطقه حفاظت شده بهرام گور مطلع است، آن را عملی «غیرعلمی، بدون منطق و بی‌قانونی محض» عنوان می‌کند و این گفته مسئولان محیط‌زیست و مدیر زیستگاه‌های سازمان که این مناطق به دلیل تخریب‌های گسترده ارزش اکولوژیکی خود را از دست داده‌اند را امری کاملاً اشتباه می‌داند «تلاش‌ها برای راه‌اندازی معدن سنگ‌آهن در منطقه حفاظت شده از سال‌ها قبل در جریان است. گسل آهن از شمال غرب سیرجان که معدن گل‌گهر در آن قرار دارد به مرز استان فارس می‌رسد و وارد پارک ملی قزرویه می‌شود. این میزان سنگ‌آهن در پارک ملی آن قدر برایشان مهم بود که حدوداً ۱۷ سال قبل مرز سیاسی استان فارس و کرمان را تغییر دادند و بخشی از استان فارس را جزو کرمان کردند؛ چون در فارس مخالفت‌ها برای معدن‌کاوی در منطقه حفاظت شده بالا بود.»

او حالا بعد سال‌ها رفت‌وآمد و تلاش، اتفاقات اخیر را عجیب می‌داند. آن هم در شرایطی که توقع از سازمان حفاظت محیط‌زیست و شورای عالی متفاوت از دوره‌های دیگر بوده «در دوره‌های مختلف، متأسفانه غلبه روابط و گرایش‌های سیاسی مشکلات زیادی را برای محیط‌زیست رقم زد. ما در این دوره و بعد از سال‌ها شکست و سختی فکر

| گزارش |

تالاب‌ها آبگیری شدند، اما احیاناً!

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در پاسخ به «پیام ما»: اقداماتی برای احیای برخی تالاب‌ها و مدیریت زیست‌بومی آن‌ها انجام شده‌است. درباره دریاچه ارومیه نیز اقداماتی صورت گرفته، اما باید تأکید کنم که از منظر اکولوژیک هنوز نمی‌توان گفت احیا اتفاق افتاده‌است. بخشی از وضعیت فعلی حاصل اقدامات اجرایی و بخشی دیگر ناشی از بارش‌های مناسب بوده‌است

در ماه‌های اخیر مدیران محیط‌زیست بارها درباره احیای دریاچه‌ها و تالاب‌ها صحبت کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد در بسیاری موارد بیش از آنکه با «احیا» مواجه باشیم، با «آبگیری» روبه‌رو بوده‌ایم. شما چه اقدامی برای احیای تالاب‌ها انجام داده‌اید که به چند تالاب محدود شده و تالاب بختگان همچنان خشک است؟ در اردیبهشت‌ماه سال جاری آب رهاسازی شده از سد درودزن به این تالاب نرسید و عملاً تنها سهم بخش کشاورزی تأمین شد.» این پرسش خبرنگار «پیام ما» در نشست خبری «شینا انصاری»، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست بود. شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در پاسخ به این پرسش گفت: «اقداماتی برای احیای برخی تالاب‌ها و مدیریت زیست‌بومی آن‌ها انجام شده است. درباره دریاچه ارومیه نیز اقداماتی صورت‌گرفته، اما باید تأکید کنم که از منظر اکولوژیک هنوز نمی‌توان گفت احیا اتفاق افتاده است. بخشی از وضعیت فعلی حاصل اقدامات اجرایی و بخشی دیگر ناشی از بارش‌های مناسب بوده است.» معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌ها سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز در این باره گفت: «درباره وضعیت تالاب‌های کشور باید گفت که در سال آبی منتهی به ۱۴۰۵، در مقایسه با سال قبل، با خشکسالی شدیدی در حوضه‌های آبریز مواجه بودیم که باعث شد بسیاری از تالاب‌ها از نظر تأمین منابع آبی آسیب جدی ببینند. در پاییز سال آبی جدید که از مهر ۱۴۰۴ آغاز شد نیز بارندگی قابل‌توجهی نداشتیم و بارش‌ها عمدتاً از

محیط‌زیست

محدوده‌های معدنی و صدور مجوزهای اکتشافی در اطراف این منطقه منتشر شد. همین موضوع واکنش کارشناسان و فعالان محیط‌زیست را به دنبال داشت. آنها هشدار می‌دادند که حتی فعالیت‌های معدنی در حاشیه منطقه نیز می‌تواند با ایجاد جاده، افزایش رفت‌وآمد ماشین‌آلات سنگین و برهم‌زدن آرامش زیستگاه، حیات گونه‌های جانوری را تحت‌تأثیر قرار دهد. این اختلاف‌نظر در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به اوج رسید. از یک سو، مسئولان حوزه معدن بر ظرفیت‌های اقتصادی منطقه و نقش معادن در ایجاد اشتغال تأکید می‌کردند و از سوی دیگر کارشناسان محیط‌زیست معتقد بودند که ارزش اکولوژیک بهرام گور به‌اندازهای بالاست که هرگونه توسعه معدنی باید با حساسیت و احتیاط بسیار انجام شود.

در آن سال‌ها بارها موضوع مزایده محدوده‌های معدنی و احتمال آغاز فعالیت‌های اکتشافی مطرح شد و بهرام گور به یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تعارض میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست در کشور بدل شد.

هرچند نمی‌دانیم نخستین معدنی که فعالیتش را در این نقطه شروع کرد چه معدنی بود؛ اما آنچه مسلم است این است که از حدود سال ۱۳۹۲ به بعد، معدن‌کاوی در بهرام گور از یک موضوع فنی و تخصصی فراتر رفت و به بحثی ملی درباره چگونگی برقراری تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت از یکی از ارزشمندترین زیستگاه‌های حیات‌وحش ایران تبدیل شد. درنهایت پس از چند سال مناقشه میان فعالان محیط‌زیست و متولیان بخش معدن، فعالیت‌های معدنی مورد اختلاف در منطقه بهرام گور در سال ۱۳۹۹ متوقف شد. مخالفان معدن‌کاوی معتقد بودند این فعالیت‌ها می‌تواند زیستگاه گور ایرانی را تحت‌تأثیر قرار دهد. توقف این پروژه‌ها از سوی بسیاری از کارشناسان محیط‌زیست به عنوان گامی مهم در حفاظت از یکی از ارزشمندترین زیستگاه‌های حیات‌وحش ایران ارزیابی شد و حالا چند سال بعد از آن سال باز هم به نقطه ابتدایی برگشته‌ایم. تلاش برای معدن‌کاوی در این منطقه.

❗ به ما گفتند این منطقه ارزش حفاظتی‌اش را از دست داده
شورای عالی محیط‌زیست در دی‌ماه سال گذشته کشیده شد. آنجا آن‌طور که «نغمه مریقی دینان» یکی از اعضای این شورا به «پیام ما» می‌گوید، این طرح مصوب شد و از جمله دلایل این تصویب هم تلاش دفتر زیستگاه‌ها برای اقیاع شورا بوده است «ما پیش از آن جلسات زیادی داشتیم؛ اما به ما گفتند به دلیل فعالیت‌های طولانی‌مدت در این منطقه توسط معادن و دخل‌وتصرف بسیار، این منطقه تنزل کیفیت داشته. حیات‌وحش در آن وجود ندارد و به زیستگاه پارک ملی قزرویه رفته‌اند و عملاً این مناطق دیگر توان فرارگرفتن در لیست مناطق حفاظت شده را ندارند و همین هم دلیلی شد تا بخواهیم این تصمیم را بگیریم؛ اما شرایط هم گذشته شد، مانند اینکه باز هم باید نظارت سازمان حفاظت محیط‌زیست وجود داشته باشد.»

مریقی در حالی از نظارت بر منطقه حفاظت شده‌ای که در لیست مناطق قرار ندارد صحبت می‌کند که پیش‌ازاین و زمانی که عنوان منطقه حفاظت شده را یدک می‌کشیدهم نظارتی بر آن وجود نداشت، وگرنه با دخل و تصرفاتی این چنینی مواجه نمی‌شدیم.

او در پاسخ به این پرسش که چطور در مناطق حفاظت شده امکان معدن‌کاوی داده‌اید و اصلاً چطور با وجود این حجم اندک از مناطق حفاظت شده باز هم از میزان آن کم کرده‌اید می‌گوید «ما سیاستی در شورا داریم که اگر بخش‌هایی از مناطق جدا شوند، حتماً در بخش دیگر باید این مساحت جبران شود. مثلاً اگر در جنوب جدا شده باید در شمال به حجم منطقه افزوده شود و ما ابداً

روزنامه

۳

اجازه کاهش مساحت مناطق را نداریم. از طرفی باید درآمد حاصل از این تخریب به‌حساب صندوق ملی محیط‌زیست واریز شود.»
مریقی همچنان در پاسخ به این انتقاد که در سال‌های گذشته پول چندانی به‌حساب صندوق ملی واریز نشده و این یکی از گلابه‌های خود سازمان بوده هم می‌گوید «بله متأسفانه این درست است. ۱۵ سال قبل خود من یکی از تدوین‌کنندگان اساس‌نامه صندوق ملی بودم و انتظار می‌رفت سازوکار حقوقی دقیق مقابل این وضعیت را بگیرد؛ اما این‌طور نشد و امیدواریم در آینده این سازوکار تدوین شود.»

❗ مجبور به تعامل با وزارت صنعت، معدن و تجارت هستیم

گفته‌های عضو شورای عالی محیط‌زیست را «حمید ظهرابی» معاون محیط‌زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست هم در نشست روز گذشته این سازمان تأیید می‌کند و این مناطق را فاقد ارزش به‌عنوان منطقه حفاظت شده می‌داند «در سال ۱۳۹۴ و در منطقه بهرام گور معدنی راه افتاد که جزو بند ب توافق‌نامه بود. یعنی بندی که اجازه فعالیت معدنی در این مناطق را می‌داد. در این منطقه شش پهنه درخواست مجوز کردند که سازمان حفاظت محیط‌زیست با پهنه‌های پی ۱ و ۲ مخالفت و با بقیه پهنه‌ها موافقت کرد. محدوده معدنی پی ۳ در مجاورت کارخانه یک شرکت معدنی بود و بخشی از اراضی، بین این پهنه معدنی، بخشی در کارخانه و بخشی به جاده می‌خورد و به همین دلیل ارزش حفاظتی برای سازمان حفاظت محیط‌زیست نداشت. وزارت صمت برای حل مشکلات این واحد صنعتی درخواست داد و چون زمین کارکرد دیگری نداشت بعد از رفتن به شورای عالی با آن موافقت شد.»

به گفته او این اراضی در گذشته در محدوده شهری بوده و به واحد صنعتی هم واگذار شده بودند و عملاً در استفاده این واحد قرار داشتند «با حل مشکل این واحد، وزارت صمت متعهد شد برای حفاظت در تنوع زبستی کمک کند و مبلغ قابل‌توجهی برای این حوزه پرداخت شود.»

او اما در توضیحی که در ابتدای پاسخ به سؤال درباره این معدن داد گفت «بر اساس بند الف ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی مریقیی فعالیت معدنی در مناطق چهارگانه باید با موافقت شورای عالی محیط‌زیست باشد. در آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، پارک‌های ملی و آثار طبیعی و ملی جدا شدند و پناهگاه‌های حیات‌وحش و مناطق حفاظت شده ماندند. در تفاهم‌نامه‌ای که در سال ۱۳۵۴ بین سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت صنعت، معدن و تجارت مبادله شد، مناطق به دو گروه الف و ب تقسیم می‌شدند و مناطق گروه ب اجازه فعالیت معدن‌کاری یافتند. در خصوص مناطق جدید هم کارگروه‌ها با عنوان کارگروه تعامل سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت صمت تشکیل شد که تصمیم می‌گیرند آیا می‌تواند معدنی در یک منطقه حفاظت شده با لحاظ اینکه اول حفاظت راه بیفتد یا خیر.»
سازمان حفاظت و می‌گوید بنا بر این قانون، سازمان حفاظت محیط‌زیست امکان مخالفت کامل ندارد «اگر معدنی باشد که بهره‌برداری‌اش آسیب کمی به محیط‌زیست بزند و باعث رونق اقتصادی شود طبیعتاً نباید سازمان با آن مخالفت کند. ما با وزارت صمت در تعامل مکرر هستیم و اگر قرار باشد ما همه معادن مخالفت کنیم، طبیعتاً این وزارتخانه هم می‌تواند با ایجاد مناطق حفاظت شده جدید مخالفت کند؛ چون قانون حفاظت و بهسازی می‌گوید اگر خواستی منطقه جدید ایجاد کنی باید موافقت وزارت صمت را داشته باشی. اگر این تعامل را به تقابل تبدیل کنیم، هیچ منطقه جدیدی نخواهیم داشت.»

بارش‌های امسال مناسب بود؛ اما باید توجه داشت که این بارش‌ها در همه استان‌ها رخ نداده است. استان‌هایی مانند تهران، اصفهان، مرکزی و قزوین همچنان با کم‌بارشی مواجه‌اند و در نتیجه با کمبود حقایه تالاب‌ها روبه‌رو هستند.»
به گفته رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست یکی از دغدغه‌های جدی ما این است که در استان‌هایی که بارندگی مناسب بوده و تالاب‌ها تا حدی آبگیری شده‌اند، این منابع به‌عنوان «منابع آبی جدید» تلقی نشوند. او اضافه کرد: «باید تصور شود که به دلیل این شرایط می‌توان سطح زیر کشت را افزایش داد یا صنایع آب‌بر جدید ایجاد کرد.»

انصاری با اشاره به اینکه این موضوع را در جلسات متعدد با دستگاه‌های مختلف و استانداری‌ها مطرح کرده است، گفت: «در این جلسات تأکید داریم که این آب‌ها نباید به‌عنوان منابع جدید قابل تخصیص در نظر گرفته شوند. واقعیت این است که بسیاری از تالاب‌ها هنوز حقایه واقعی و مصوب خود را دریافت نکرده‌اند و مشکلات آن‌ها همچنان پایرجاست.»



نغمه مریقی دینان

عضو شورای عالی

محیط‌زیست؛

به ما گفتند به دلیل

فعالیت‌های طولانی‌مدت

معدان در این منطقه

حیات‌وحش

در آن وجود ندارد

و به زیستگاه پارک ملی

قزرویه رفته‌اند

بهمن ایزدی، فعال

محیط‌زیست؛

تلاش‌ها برای استیلا

در شرق پارک ملی

قزرویه در جریان بوده

و هست و مدام

با این گفته که پول

از شرکت‌های معدنی

برای حفاظت می‌گیرند

خودشان و دیگران را

گول زده‌اند

شینا انصاری؛

نباید تصور شود

که به دلیل

افزایش بارندگی

می‌توان سطح

زیر کشت را افزایش داد

یا صنایع آب‌بر جدید

ایجاد کرد

خبر

تعرض به تپه ۵ هزارساله غرب تهران رامتوقف کنید

افزایش نگرانی‌ها درباره حفاری‌ها و تعرض‌های پی‌درپی به تپه باستانی «کاووسیه» با بیش از ۵ هزار سال قدمت، بار دیگر موضوع تعیین عرصه و حریم این محوطه تاریخی را به یکی از مطالبات فعالان میراث‌فرهنگی و ساکنان منطقه تبدیل کرده است؛ محوطه‌ای که در نزدیکی تهران قرار دارد و ثبت ملی هم شده‌است.

«تپه کاووسیه» از معدود محوطه‌های باستانی باقی‌مانده در غرب استان تهران به شمار می‌رود؛ محوطه‌ای که قدمت آن بر اساس منابع منتشرشده و مطالعات انجام‌شده تاکنون، به هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد و عصر مفرغ بازمی‌گردد. این اثر تاریخی در ۲۵ آبان ۱۳۸۷ با شماره ثبت ۲۳۸۷۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد. باستان‌شناسان و پژوهشگران، این تپه را بخشی از زنجیره استقرارهای انسانی پیش از تاریخ در دشت تهران می‌دانند؛ محوطه‌ای که می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره الگوهای سکونت، معیشت و فرهنگ جوامع اولیه در غرب تهران ارائه دهد.

بااین‌حال، آنچه نام «تپه کاووسیه» را در سال‌های گذشته بیشتر بر سر زبان‌ها انداخت، به کاوش‌های علمی، بلکه روایت‌های مربوط به حفاری‌های غیرمجاز و جست‌وجوی اشیای تاریخی بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد در جریان حفاری‌های غیرمجاز این تپه، آثاری تاریخی کشف شد که بخشی از آن‌ها بعدتر هنگام خروج از کشور شناسایی شدند. در میان این روایت‌ها، کشف تیرهای و بقایای یک مومیایی از جمله مواردی بود که توجه افکار عمومی را به این محوطه جلب کرد، هرچند مستندات دقیقی درباره آن‌ها در دسترس نیست. وجود قطعات سفالی و شواهد تاریخی پررنگ‌ده در محدوده تپه نیز باعث شده بود سال‌ها این محوطه در میان حفاران غیرمجاز شناخته‌شود.

فشار توسعه شهری نیز در این سال‌ها به یکی دیگر از تهدیدهای اصلی این محوطه تبدیل شده است. گسترش شهر قدس، پروژه‌های عمرانی، توسعه معابر و ساخت‌وسازهای پررنگه، به‌تدریج عرصه محوطه‌های تاریخی حاشیه تهران را کوچک‌تر کرده؛ وضعیتی که فعالان میراث‌فرهنگی می‌گویند «تپه کاووسیه» نیز از آن مستثنی نبوده است. حتی در سال‌های اخیر گزارش‌هایی از کشف حفاری غیرمجاز در مجاورت این تپه و انجام حفاری‌ها در پوشش فعالیت‌های دیگر همچون ساخت‌وساز منتشر شده است. اکنون مطالبه‌کنندگان می‌گویند تعیین عرصه و حریم تپه کاووسیه نه صرفاً یک اقدام اداری، بلکه آخرین فرصت برای حفاظت از یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ غرب تهران است؛ محوطه‌ای که اگرچه هزاران سال دوام آورده، اما شتاب مقاومت در برابر توسعه بی‌ضابطه امروز را نداشته‌باشد. از همین رو، کارگزارانی با هدف درخواست تعیین عرصه و حریم تپه کاووسیه «تپه باستانی کاووسیه» شکل‌گرفته؛ مطالبه‌ای که امضاکنندگان آن معتقدند ادامه روند ساخت‌وسازها و نبود ضوابط حفاظتی روشن، می‌تواند آنچه از این محوطه باقی‌مانده را نیز از بین ببرد. در این کارزار از برای حفظ بقایای این تپه و لایه‌های تاریخی آن توجه و پیگیری شود.

در بخشی از متن منتشر شده در این کارزار از رئیس میراث‌فرهنگی شهر قدس در استان تهران خواسته شده است از ساخت‌وساز جدید در محوطه تپه و حفاری‌های غیرمجاز و مخرب که به بهانه نصب فاضلاب صورت می‌گیرد، جلوگیری شود تا از آسیب‌های بیشتر به لایه‌های تاریخی پیشگیری کرد.
ایپسا



خوانشی انتقادی بر منطق «توزیع اجباری» در موزه‌های ایران

یتیم‌خانه هنر

چندی پیش، صفحه رسمی «موزه ملی ایران» در پیام‌ریسان «بله»، عکسی از یک کاشی لعاب‌دار متعلق به سده‌های ۷ و ۸ هجری منتشر کرد. در حاشیه این کاشی، بیتی از شعر «فردوسی» نقش بسته و موزه ملی بر همین اساس، محل نصب کاشی را به یک بنای غیرمذهبی نسبت داده بود. اما نکته جالب‌توجه اینکه نمونه‌ای تقریباً مشابه از همین کاشی در موزه آستانه قم نگهداری می‌شود که متعلق به زیارتگاه «علی بن جعفر» (ع) است. از آنجایی‌که تعداد کاشی‌های این امامزاده کم نیست و در حاشیه بسیاری از آن‌ها آفرین بر اشعار فردوسی، احادیث و آیات قرآنی نیز دیده می‌شود. این هم‌سانی و گوناگونی محتوایی، پرسش‌هایی را درباره نسبت این کاشی‌ها با فضاهای مذهبی و غیرمذهبی برمی‌انگیزد؛ پرسش‌هایی که انگیزه نگارش این نوشته شد.

اقدامات لازمه معمول گردد.»
تولیت، ۲۹ / ۶ / ۱۳۲۰
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی پاسخ وزارت فرهنگ درباره نگه‌داری موقت اشیای آستانه قم در موزه‌های دیگر؛ «جناب آقای اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی؛ یادداشت مورخ ۱۳۲۰/۱۷/۲۰ [۱۳] به‌ضمیمه رونوشت نامه مورخ ۲۹/۶/۲۰ [۱۳] آقای مصباح تولیت در باب اشیای آستانه حضرت معصومه (ع) زیارت شد. به‌طوری‌که خود آقای مصباح اطلاع دارند وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۴ ضمن اصلاحات آستانه مبادرت به تأسیس موزه شناسی در آنجا نمود و اشیای نفیس آستانه را به طور شایسته در جعبه‌آینه‌ها و تالارهای مخصوص نهاده یک نفر از کارمندان مطلع اداره کل باستان‌شناسی را هم برای مدیریت آنجا انتخاب و اعزام کرد و در ضمن چند فقره اشیای نفیس موجود در خزانه آستانه از قبیل محراب بقعه علی بن جعفر و قالیچه روی صندوق قبر شاه‌عباس ثانی و چند عدد کاشی‌های آزار علی بن جعفر از آستانه قم به موزه ایران باستان به‌عنوان امانت منتقل گشته به بهترین طرزی در معرض نمایش گذارده شده است و حفاظت آن‌ها از هر بابت تأمین گردیده است و این عمل امری طبیعی و معمول به تمام موزه‌های دنیا است که اشیای مکرر را از موزه‌های مختلف کشور به یکدیگر امانت و قرض می‌دهند و بدین‌وسیله از گردآوری اشیای نظیر و عین هم در یک موزه و محروم داشتن موزه‌های دیگر کشور از همان اشیا جلوگیری می‌نمایند.

وزارت فرهنگ نیز اشیای عتیقه زیاد و مختلف از موزه تهران و نقاط دیگر به موزه آستانه ارسال داشته و برای تکمیل مجموعه‌های آن هر طور مناسب دیده اقدام نموده است. چنانچه مجموعه از آثار مشکوفه در تپه سیلک کاشان و کاشی‌های عتیقه شهید ارهال کاشان و ظروف اسلامی مختلف به موزه نامبرده فرستاده. بدین‌وسیله بر اهمیت و استفاده علمی و صنعتی آن آستانه قم، در پیش تعیین شده است. نامه با ادعای اینکه «بهترین و نفیس‌ترین اشیای آستانه را در قم نهاده‌اند، سعی دارد این جابه‌جایی را به‌گونه‌ای جلوه دهد که گویی نوعی عدالت در توزیع آثار برقرار شده است. اما این تفکر، هنر را به اعداد تقلیل می‌دهد؛ گویی می‌توان با فرمول ریاضی (مثلاً انتخاب ۲ قالیچه از ۱۲ عدد) و تقسیم آن‌ها میان تهران و قم، خنثی‌کردن آسیب جدایی آثار را ممکن کرد. همچنین، ادعای نویسنده مبنی بر اینکه این جابه‌جایی‌ها باعث «افزودن به اهمیت علمی و صنعتی» آثار می‌شود، از نگاه انتقادی، بیشتر شبیه به یک «توجه اداری» است تا یک استراتژی علمی برای حفاظت.
✎ **معبد بیگانگی**
در همین راستا «داریوش شایگان» در کتاب «آسیا در برابر غرب» توضیحی در رابطه‌با موزه‌های امروزی ارائه می‌دهد که به شرح زیر است: «... موزه در واقع یتیم‌خانه هنر یا به‌عبارت‌دیگر معبد بیگانگی است... با انتقال هنر به موزه، زادگاه و خانه هنر که غالباً معبد بود و یا خانه – توضیح اینکه خانه نیز طرخی از معبد بود؛ چنان‌که معبد تجلی‌گاه نظام کیهانی – تغییر یافت. این تغییر اساسی نه فقط مفهوم هنر را دگرگون کرد بلکه، هم «جایگاه» آن را عوض کرده و هم نوع آدمی را که از آن بهره می‌گرفت. کسی که پیش‌ازاین به معبد می‌رفت زائر بود و کسی که هنر می‌آفرید عابد. عابد برای معبد می‌آفرید و معبد نیز عابدت‌گاه زائر و عابد بود. اما کسی که امروز به موزه می‌رود نه عابد است و نه زائر؛ کسی که امروز به موزه می‌رود «توریست هنری» است. یعنی کسی که می‌خواهد با مطالعه و تماشای آثار هنری، چیزی بیاموزد، چیزی دریابد، چیزی به معلومات خویش بیفزاید.»

افزوده است و درعین‌حال از فقدان و سرقت چنین آثار نفیسی مانند آنچه در دوره‌های گذشته واقع می‌شد جلوگیری کرده است و چون موزه‌های دیگر هم در مرکز شهرستان‌های دیگر تأسیس گشته یا در دست تأسیس است، این وزارت‌خانه روی نگرلی‌که به نسبت به معرفی نمودن آثار کشور در نقاط مختلف دارد می‌خواهد تا حد امکان همین ترتیب را در آینده نسبت به سایر موزه‌ها نیز معمول نماید. چند فقره اشیای متعلق به آستانه قم که به تهران آورده شده روی همین نظر بوده؛ چنانچه از ۱۲ عدد قالیچه مکرر دو عدد آنها به موزه ایران باستان امانت آورده‌اند و بهترین و نفیس‌ترین اشیای آستانه را در قم نهاده‌اند. با ترتیب بالا ملاحظه می‌فرمایند که به‌هیچ‌وجه از اشیای نفیسه آستانه از بین نرفته؛ بلکه به‌طرز مناسب و شایسته در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار داده شده و حفاظت آنها نیز کاملاً تأمین گردیده است.»
اداره کل باستان‌شناسی تاریخ؛ ۲۰/ ۹/ ۷/ ۱۳۲۰؛ شماره: ۱۵۸۱/۲۲۵۵

با مطالعه این نامه، اولین چیزی که توجه را جلب می‌کند، نگاه محاسباتی و توزیعی به میراث‌فرهنگی است. نویسنده نامه، با استناد به این نکته که «این عمل امری طبیعی و معمول به تمام موزه‌های دنیا است»، تلاش می‌کند تا جابه‌جایی آثار ارزشمند از یک بافتار مذهبی و تاریخی (آستانه قم) به یک بافتار ملی (موزه ایران باستان) را مشروعیت ببخشد.

اما از منظر تخصصی موزه‌داری و مدیریت مجموعه‌ها، این استدلال با یک لغزش بنیادین رویه‌رو است و آن درهم شکستن بافتار اصلی است. در نامه آمده است که برای جلوگیری از «گردآوری اشیای نظیر و عین هم در یک موزه». لازم است آثار را بین موزه‌های مختلف پخش شود؛ اما از دیدگاه یک تحلیل‌گر آثار هنری، این رویکرد به‌نوعی باعث نادیده‌گرفتن ارزش یک «مجموعه» خواهد شد. ارزش یک اثر هنری، به‌ویژه در آثار مربوط به آستانه قم، تنها در زیبایی ظاهری آن نیست، بلکه در رابطه معنایی آن با محیطی است که در آن خلق یا نگهداری شده است. وقتی ما محراب یک بقعه یا قالیچه یک مقبره را از کالبد اصلی‌اش جدا می‌کنیم و به تالارهای موزه در پایتخت می‌آوریم، در واقع بخشی از «روایت تاریخی» آن مکان را قطع کرده‌ایم. ما با این کار از یک «مجموعه با هویت واحد»، به یک «مجموعه از قطعات پراکنده» سقوط می‌کنیم.

نکته دوم، استفاده از مفهوم «امانت» برای توجیه یک سیاست از پیش تعیین شده است. نامه با ادعای اینکه «بهترین و نفیس‌ترین اشیای آستانه را در قم نهاده‌اند، سعی دارد این جابه‌جایی را به‌گونه‌ای جلوه دهد که گویی نوعی عدالت در توزیع آثار برقرار شده است. اما این تفکر، هنر را به اعداد تقلیل می‌دهد؛ گویی می‌توان با فرمول ریاضی (مثلاً انتخاب ۲ قالیچه از ۱۲ عدد) و تقسیم آن‌ها میان تهران و قم، خنثی‌کردن آسیب جدایی آثار را ممکن کرد. همچنین، ادعای نویسنده مبنی بر اینکه این جابه‌جایی‌ها باعث «افزودن به اهمیت علمی و صنعتی» آثار می‌شود، از نگاه انتقادی، بیشتر شبیه به یک «توجه اداری» است تا یک استراتژی علمی برای حفاظت.
✎ **معبد بیگانگی**
در همین راستا «داریوش شایگان» در کتاب «آسیا در برابر غرب» توضیحی در رابطه‌با موزه‌های امروزی ارائه می‌دهد که به شرح زیر است: «... موزه در واقع یتیم‌خانه هنر یا به‌عبارت‌دیگر معبد بیگانگی است... با انتقال هنر به موزه، زادگاه و خانه هنر که غالباً معبد بود و یا خانه – توضیح اینکه خانه نیز طرخی از معبد بود؛ چنان‌که معبد تجلی‌گاه نظام کیهانی – تغییر یافت. این تغییر اساسی نه فقط مفهوم هنر را دگرگون کرد بلکه، هم «جایگاه» آن را عوض کرده و هم نوع آدمی را که از آن بهره می‌گرفت. کسی که پیش‌ازاین به معبد می‌رفت زائر بود و کسی که هنر می‌آفرید عابد. عابد برای معبد می‌آفرید و معبد نیز عابدت‌گاه زائر و عابد بود. اما کسی که امروز به موزه می‌رود نه عابد است و نه زائر؛ کسی که امروز به موزه می‌رود «توریست هنری» است. یعنی کسی که می‌خواهد با مطالعه و تماشای آثار هنری، چیزی بیاموزد، چیزی دریابد، چیزی به معلومات خویش بیفزاید.»

این نگاه انتقادی شایگان در بسیاری از موارد قابل قبول است. اما در اینجا پرسشی دیگر مطرح می‌شود: اگر همان بستر زنده (معبد، مسجد، مدرسه) توانایی حفظ اثر را در بلندمدت نداشته باشد، چه باید کرد؟ همچنین باید توجه داشت که بسیاری از فنون سنتی رو به فراموشی است و امکان تولید دوباره آثار هنری گذشته هر روز کمتر می‌شود.

در برخی از مرمت‌های اخیر، در حرم حضرت معصومه (س) کاشی‌های معرق ۱۵ساله را از بدنه جدا می‌کنند و قسمتی از آن‌ها که لعابش آسیب دیده، دور ریخته می‌شود و مابقی اجزا در کنار کاشی‌های جدید قرار گرفته و دوباره در بدنه اصلی نصب می‌شوند. این در حالی است که فرایند طراحی و ساخت کاشی‌های سنتی تفاوتی اساسی با روش‌های فعلی دارد. مثلاً در گذشته برای ساخت کاشی لاجوردی از پودر سنگ لاجورد استفاده می‌کردند، اما امروزه این رنگ با مواد شیمیایی تولید می‌شود و گاهی رنگ نهایین تفاوت زیادی با نمونه اولیه دارد. از سوی دیگر هنرمند امروز دیدگاه متفاوتی نسبت به هنر دارد و باتوجه‌به شرایط امروز امکان تولید آثار مانند گذشته فراهم نیست. همچنین گاهی پیمانکاران برای آنکه از لحاظ اقتصادی منضر نشوند، کار را به نحو احسن انجام نمی‌دهند و به اصلاح «از کار می‌دزدند».

در این میان باید توجه داشت که در گذشته اجرای نقوش کاشی‌های هفت‌تار توسط افراد خیر و با تجربه انجام می‌گرفت، درحالی‌که مرمتگران و هنرمندان امروز که در کنار استادکاران به کسب تجربه می‌پردازند، به‌هیچ‌وجه هم‌پای استادکاران گذشته نیستند و تجربه آنان را ندارند. این موارد نشان می‌دهد که نمونه تزئینات مشابه، به‌هیچ‌عنوان ارزش اموزی مادی و به‌ویژه معنوی نمونه اصلی را نخواهد داشت.

✎ **تاقص قوانین اواقف و میراث**

لازم به ذکر است که از نظر حقوقی، قوانین مربوط به اموال وقفی این‌گونه است که اگر تعمیر یک شیء وقفی هزینه‌ای غیرمعتارف و سنگین داشته باشد، متولی (تولیت) می‌تواند تشخیص دهد که آن چیز را به چیز باارزش‌تری تبدیل کند. این حکم با قوانین حفظ آثار تاریخی که بر اصالت و ماندگاری اثر تأکید دارند، متناقض است. از سوی دیگر، گاهی اگاهی اداره کل میراث‌فرهنگی بودجه کافی برای مرمت و یا انتقال تزئینات نفیس یک اثر تاریخی به موزه را ندارد. اما این کمبود بودجه نباید دلیلی برای بی‌توجهی به این آثار ارزشمند باشد.

در کنار این موارد، باید به این نکته نیز توجه کرد که در حال حاضر امکان پایش مداوم برخی آثار برای کارشناسان میراث وجود ندارد، یا به عبارت دقیق‌تر، ورود کارشناسان به برخی از اماکن ممنوع است. البته در مواردی مردم کم‌کاری از طرف کارشناسان میراث بوده است. اما باتوجه‌به موارد مذکور و از آنجاکه در برخی از پروژه‌ها مستندنگاری دقیقی در زمان مرمت انجام نمی‌شود – و اگر هم تهیه شود، در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد – و احتمال پاک‌شدن این مستندات نیز در آینده وجود دارد، شاید بهتر باشد که در خصوص موارد خاص، مانند تزئینات ایوان جنوبی مدرسه قیسیه که قدمت آن به دوره صفوی برمی‌گردد و احتمال نابودی آن در دهه‌های بعدی وجود دارد، رویکردی متفاوت اتخاذ شود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود در برخی از موارد (به‌ویژه بناهای وقفی) آثار اصلی به موزه منتقل شده و نمونه مشابه جایگزین شوند؛ نه از سر منطق توزیع اجباری سال ۱۳۲۰، بلکه به‌عنوان یک اقدام اضطراری برای حفاظت بلندمدت، تا این آثار به‌عنوان سند افتخار هنر ایرانی برای آیندگان باقی بماند.

در پایان، یادآوری این نکته ضروری است که تمامی پیشنهادهای مذکور بر این فرض بنا شده که انتقال کاشی‌ها به موزه، با هدف دسترسی عموم و حفظ و مرمت علمی صورت می‌گیرد. در غیر این صورت، اگر قرار باشد موزه یا موزهایی امن ساخته شود، اما نهایتاً در اختیار افراد یا نهادهای قدرتمند خاص قرار گیرد و دسترسی مردم به آن محدود شود، چه‌سپا بهتر باشد که بیت‌المال صرف اموری شود که منجر به استفاده خصوصی و شخصی از آن نشود.

تولیت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک مسال	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک کشور
به: اداره ایشاد اسلامی شهرستان ماسال	اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چیرفت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۶/۳۱۸/۴۰۵۸۹۲ مورخ ۱۴۰۶/۳۱۸/۴۰۶۳۱۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲	برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۶/۳۱۸/۴۰۶۳۱۸ مورخ ۱۴۰۶/۰۴/۲۲
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷	برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم شناسنامه ۱۲۱ صادره از بندر انزلی در شش دانگ یک قطعه زمین شالینار به مساحت ۹۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۱۵ از اصلی ۶۵۳ گیلان واقع در گرجان طبق اوراق خریداری از مالک رسمی و... محرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در فاصله ۵۸ روز آگهی در روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ <p>محمد کردستانی - رئیس اداره ثبت‌اسناد چیرفت</p> شناسه آگهی: ۲۲۰۰۹۰۶

تولیت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور	
حوزه ثبت ملک شفت	اداره ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷	برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷	
دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم شناسنامه ۴۷ صادره از بوجرد در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ابرباری به مساحت ۷۳/۹۴ مترمربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۳۰ مجزی شده از پلاک ۲۸ فرعی واقع در قریه پشت سرآ شفت سنگ اصلی ۱۹ بخش ۱۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی رجب میرزایی نا نهومی گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای وقت مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ <p>نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت</p> از طرف ابودر زرین پورحسن کιάده شناسه آگهی: ۲۲۰۰۵۵۹۹ م الف/ ۸۱۳

تولیت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه یک گرگان	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷	برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقایان جلال صفایور فرزند مروت شماره شناسنامه ۲۴۵ و پیمان صفایور فرزند جلال شماره شناسنامه ۳۱۳۰۰۵
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۵۸ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه کواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ <p>نعمت ذوقی</p> رئیس ثبت‌اسناد و املاک شفت شناسه آگهی: ۲۲۰۰۲۵۶ م الف/ ۸۱۱

تولیت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه یک گرگان	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷	برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض؛ کلاسه ۱۴۰۵/۱۴۱۴۱۴۰۸۰۱۸۵۶ تقاضای آقای ابوالقاسم آقاخمندی به شماره شناسنامه ۱۱ و کدملی ۲۱۲۲۴۶۳۳۴ فرزند حسین در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی که مقدار یک و نیم‌دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه آن وقف است بمساحت: ۱۴۸/۰۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۲ - اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش جوار حوزه ثبت گرگان طبق ارقی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود ازاین‌رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع، ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ <p>جواد پوروند</p> رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه یک گرگان شناسه آگهی: ۲۲۰۰۱۶۴

تولیت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷	برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۳۹۰۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم اعظم‌السادات حسینی فرزند سید مصطفی بشماره شناسنامه ۶۵۸ و کد ملی ۴۵۹۱۱۶۹۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین متروزی به مساحت ۲۱۳۳/۷۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۵ فرعی از/ا اصلی واقع در دیزج بخش ۰۲ شاهرود خریداری از مح‌الوسطه از ورته غلامرضا رشتی محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ روز دوشنبه <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ روز سه‌شنبه</p> حمیدرضا حسین پور - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان شاهرود شناسه آگهی: ۲۲۰۰۱۵۵۵

بزرگداشت روز جهانی «کودکان قربانی جنگ» با محوریت «شهدای میناب»



مراسم بزرگداشت روز جهانی کودکان قربانی جنگ با عنوان «یادمان شهدای میناب» صبح یکشنبه ۱۷ خردادماه به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد؛ مراسمی که در آن مسئولان حاضر، حمله به مدرسه میناب را نمونه‌ای از جنایت علیه کودکان دانستند و بر مستندسازی و پیگیری حقوقی این پرونده در مجامع بین‌المللی تأکید کردند.

در این مراسم که با حضور علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش، «اسماعیل بقایی»، سخنگوی وزارت امور خارجه، بیژن رنجبر رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و جمعی از مسئولان و سفرا برگزار شد، سخنگوی وزارت امور خارجه حمله به مدرسه میناب و منطقه مسکونی لامرد را مصادق آشکار جنایت جنگی خواند.

بقایی با اشاره به حملات صورت‌گرفته علیه مراکز آموزشی و مناطق مسکونی گفت: «آنچه در جریان جنگ رخ داد صرفاً پیامد ناخواسته درگیری‌ها نبود، بلکه کشتار کودکان بخشی از راهبرد جنگی متجاوزان برای پیشبرد اهداف خود بود.»

او افزود: «در یک سال گذشته مدارس، بیمارستان‌ها و مناطقی که طبق قوانین بین‌المللی باید از امنیت برخوردار باشند، هدف حملات قرار گرفتند و همین مسئله ضرورت ثبت و پیگیری این رخدادها را دوچندان می‌کند.»

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به حادثه لامرد نیز گفت: «این حمله از برخی جهات ابعاد هولناک‌تری داشته است. به گفته او، برای نخستین بار موشک‌هایی با حجم گسترده‌ای از ترکش‌های کشته‌بر فراز یک محیط آموزشی و منطقه مسکونی منقرض شدند؛ اقدامی که باید در چارچوب جنایت جنگی مورد رسیدگی قرار گیرد.»

بقایی تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران از همه ظرفیت‌های حقوقی و بین‌المللی برای مستندسازی این حوادث و تعقیب عاملان آن استفاده خواهد کرد. او گفت: «تمامی مواردی که از نظر ایران مصادق جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و حتی نسل‌کشی محسوب می‌شود، به نهادهای بین‌المللی گزارش شده و روند تکمیل مستندات همچنان ادامه دارد.»

در ادامه این مراسم، وزیر آموزش و پرورش نیز حمله به مدرسه میناب را سندی ماندگار از مظلومیت کودکان ایرانی دانست و گفت: «این حادثه تنها یک رخداد تلخ نیست، بلکه نمادی از جنایت علیه کودکان و نقض آشکار اصول انسانی است.»

«کاظمی» با اشاره به اینکه کودکان همواره نخستین قربانیان جنگ‌ها هستند، گفت: «بر اساس گزارش‌های بین‌المللی در سه دهه گذشته بیش از دو میلیون کودک در جنگ‌ها جان خود را از دست داده‌اند و میلیون‌ها کودک دیگر نیز با آسیب‌های جسمی و روانی روبه‌رو شده‌اند.»

او افزود آثار روحی و روانی حادثه میناب همچنان در میان دانش‌آموزان و خانواده‌های آسیب‌دیده مشاهده می‌شود و بسیاری از آنان با پیامدهای این فاجعه زندگی می‌کنند.

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به آمار قربانیان بخش آموزش در جنگ اخیر گفت ۲ هزار و ۷۹ دانش‌آموز و ۶۷ معلم جان خود را از دست داده‌اند که ۲۶ نفر از این معلمان در مدرسه میناب به شهادت رسیده‌اند.

کاظمی همچنین از تشکیل «ستاد ملی میناب» با حضور دستگاه‌های مختلف خبر داد و گفت برنامه‌های فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای و حقوقی متعددی برای تبیین ابعاد این حادثه و انتقال آن به نسل‌های آینده در دستور کار قرار گرفته است.

او تأکید کرد فاجعه میناب به بخشی از حافظه تاریخی ملت ایران تبدیل خواهد شد و آموزش و پرورش نیز از ظرفیت کتاب‌های درسی، برنامه‌های فرهنگی و فعالیت‌های آموزشی برای ثبت و روایت این رویداد استفاده خواهد کرد.



گزارشی از ۵۶ نوزاد بهزیستی فارس که در جنگ به خانواده‌های دیگر سپرده شدند

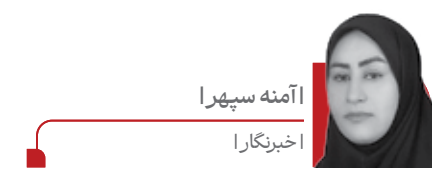
چهل روز در آغوش امن

در هیاهوی روزهای جنگ، سازمان بهزیستی فارس، تصمیمی گرفت که فراتر از تمام بخش‌نامه‌های اداری بود. ۵۶ کودک، به دست‌های مهربان کارکنان و خانواده‌های داوطلب سپرده شدند. آن‌ها از مراکز در معرض خطر به روستاهای امن اطراف منتقل شدند.

طی یک عملیات حساب‌شده، به خانه‌های امن خانواده‌های داوطلب و کارکنان بهزیستی منتقل شدند. این تجربه ۴۰ روزه، نشانی از تعهد بالای کارکنان و مشارکت بی‌شمار مردم بود. در این میان، نه تنها امنیت فیزیکی کودکان تأمین شد، بلکه با فراهم کردن بستر زندگی خانوادگی، از آسیب‌های روانی ناشی از شرایط بحرانی پیشگیری شد.

«آنها امانت بودند»

زن می‌گوید: «کار بزرگی نکردم، فقط در خانه‌ام را باز کردم.» حرف‌هایش قابل‌تأمل است. او خود از کارکنان بهزیستی است و برایمان از چهل روزی



به گواه آمارهای موجود از تعداد ۵۶ کودک بی‌سرپرست انتقال یافته جنگ اخیر به مناطق امن در استان فارس، سهم شهرستان داراب هجده دختر ۶ تا ۱۲ سال، اقلید یازده دختر ۱۲ تا ۱۸ سال، فیروزآباد دوازده دختر ۱۲ تا ۱۸ سال و سرای عطفه‌های شیراز پانزده تا ۱۲ تا ۱۸ سال بود که

هرچند شرایط بحرانی دشواری‌های خاص خود را داشت، اما خانواده‌ها با مدیریت صحیح و تحت نظارت تیم تخصصی فرزندخواندگی استان توانستند آرامش نسبی کودکان را حفظ کنند و از شدت اضطراب آنان بکاهند

یادداشت

می‌گوید که زندگی‌اش رنگ‌وبوی متفاوتی گرفت. «اسم را ننویسید. فقط بدانید که چهل روز خانه ما بهشت کوچک دو کودک شد.» دو کودکی که دنیای امنشان با صدای مهیب موشک‌ها و اضطراب بزرگ‌ترها ترک برداشته بود. «وقتی خبر تخلیه مرکز بهزیستی را شنیدیم، انگار پتک توی سرم خورد که این بچه‌ها را کجا می‌برند؟ خودم هم خانواده داشتم، نگران امنیت خودم و بچه‌های خودم بودم، اما وقتی به آن کودکان نگاه کردم، ترس را در سلول به سلول جسم و جانم اندیدم. چیزی درونم فریاد می‌زد؛ این‌ها امانت تو هستند.»

با صدایی که هنوز گرمای آن روزها را دارد، ادامه می‌دهد: «آن چهل روز، فقط پر از واهمه نبود، پر از شیرینی گس مسئولیت هم بود. کنار سفره ما می‌نشستند، لقمه‌شان را با بچه‌های من تقسیم می‌کردند، با هم می‌خندیدند و در آن روزهای سیاه، طعم واقعی «خانواده» را چشیدند. وقتی می‌دیدم آرامش به صورتشان برگشته، خستگی از تنم در می‌رفت. آن‌ها دیگر مهمان نبودند، آنها هر چند موقتی، عضو خانه ما شده بودند.»

آینده از کجا آمد؟

نکته مهم در این تجربه، همراهی داوطلبانه کارکنان بهزیستی و مردم بود. «حمید گودرزی»، مدیرکل بهزیستی فارس در همین رابطه به «پیام ما» می‌گوید: «بسیاری از مربیان مراکز شیرخوارگاه‌ها، به دلیل ارتباط عاطفی نزدیک با فرزندان، خودشان مسئولیت نگهداری از کودکان را بدون چشمداشت و تنها با انگیزه انسانی و مسئولیت اخلاقی به عهده گرفتند. از سوی دیگر، مردم روستاها و خانواده‌های پذیرنده نیز با حس نوع‌دوستی و احساس مسئولیت، به این طرح پاسخ مثبت دادند و نشان دادند که در بحران، همبستگی اجتماعی می‌تواند از هر سازوکار اداری مؤثرتر باشد.»

این‌طور که مدیرکل بهزیستی فارس می‌گوید، در طول این چهل روز، کودکان در بستر خانواده احساس امنیت و حمایت عاطفی بیشتری را تجربه کردند. هرچند شرایط بحرانی، دشواری‌های خاص خود را داشت، اما خانواده‌ها با مدیریت صحیح و تحت نظارت تیم تخصصی فرزندخواندگی استان، توانستند آرامش نسبی کودکان را حفظ کنند و از شدت اضطراب آنان بکاهند.

او ادامه می‌دهد: «اولویت اصلی ما در آن روزها، حفظ امنیت کودکان بود؛ اما نه فقط امنیت فیزیکی، بلکه آرامش روحی آنان نیز اهمیت داشت. به همین دلیل، محل جدید اسکان

جنگ و شکستن پیوند کودکان با طبیعت

را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدن آنان هنوز در حال رشد است و نسبت به آلاینده‌ها آسیب‌پذیرتر است. هوای آلوده و مواد سمی باقی‌مانده در محیط می‌توانند سال‌ها بر سلامت جسمی و رشد کودکان اثر بگذارند. عواقبی که تا سال‌های طولانی بعد از جنگ باقی می‌ماند. اما شاید عمیق‌ترین آسیب، چیزی باشد که کمتر دیده می‌شود. وقتی طبیعت تخریب می‌شود، کودک یکی از مهم‌ترین منابع یادگیری، آرامش، اعتماد و امنیت را از دست می‌دهد. او کمتر فرصت می‌یابد که با خیال آسوده نگاه کند، کشف کند، بیازماید و با جهان پیرامون خود رابطه‌ای بر اساس اعتماد برقرار سازد.

از همین رو، تخریب محیط‌زیست تنها یک مسئله محیط‌زیستی نیست؛ مسئله‌ای مربوط به حقوق

رشد، تجربه و زیستن است. کودک حق دارد در جهانی قدم بگذارد که زنده، قابل‌لمس و قابل‌کشف باشد، نه دور و دست‌نیافتنی و آلوده. این حق، پیش از هر آموزش رسمی و هر ساختار اجتماعی، با خود زندگی به او داده شده است. طبیعت در واقع بخشی از حق مادرزاد کودک است؛ حقی که بدون آن، بسیاری از ابعاد رشد انسانی ناقص می‌ماند.

فرایند ظریف و تدریجی رشد، بیش از آنچه تصور می‌کنیم به سلامت محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند وابسته است. در روزگاری که آلودگی هوا، کاهش فضاهای سبز، آلودگی منابع آب، فرسایش خاک و کاهش تنوع زیستی به بخشی از واقعیت زندگی تبدیل شده‌اند، پیوند کودکان با طبیعت نیز روزه‌روز محدودتر شده و بخشی از فرصت کودکان برای تجربه و یادگیری از دست می‌رود. در چنین شرایطی که محیط‌زیست پیشاپیش زیر فشار بحران‌های گوناگون قرار دارد، جنگ می‌تواند روند تخریب را شتابی چندبرابر ببخشد. جنگ نه تنها آنچه از طبیعت باقی‌مانده را ویران می‌کند، بلکه خاک، آب‌وهوا را نیز با لایه‌ای تازه از آلودگی درگیر می‌سازد و نخستین کلاس درس کودک را از او می‌گیرد.

جنگ، حاکی را که سال‌ها زمان برده تا شکل بگیرد، آورده و ناباور می‌سازد. آب‌وهوا با مواد شیمیایی حاصل از انفجارها آلوده می‌شوند، زیستگاه جانوران از بین می‌رود، بسیاری از حیوانات می‌میرند یا از سرزمین خود رانده می‌شوند. صدای پرندگان، وزوز حشرات و جنب‌وجوش حیات، جای خود را به سکوتی سنگین می‌دهند. جهانی که روزی کودک را به کشف و تجربه دعوت می‌کرد، آرام‌آرام خاموش و از دسترس او خارج می‌شود.

پیامدهای این تغییر تنها روانی و عاطفی نیست. آلودگی هوا، آب‌و‌خاک بیش از همه سلامت کودکان



پیش از آنکه مدرسه‌ای ساخته شود، پیش از آنکه تخته‌ای در کلاس سیاه شود، این طبیعت است که به کودک زندگی را می‌آموزد؛ آرام، بی‌واسطه و بی‌ادعا. نور که از پنجره عبور می‌کند، رنگ‌های آسمان و زمین که در هم می‌آمیزند، عطر خاک و لمس زمین، تماشای گیاهان، صدای حیوانات، بادوباران؛ همه‌وهمه نخستین الفبای یادگیری‌اند که در ذهن و جان کودک جوانه می‌زنند.

طبیعت، کلاسی بی‌سقف و بی‌دیوار است؛ کلاسی سرشار از شگفتی، جالش و کشف. در این محیط زنده و پیش‌بینی‌ناپذیر، کودک امتحان می‌کند، اشتباه می‌کند و دوباره می‌آموزد. سنگی را برمی‌دارد و وزنش را با سنگی دیگر مقایسه می‌کند، خاک را زیرپرو می‌کند و با موجوداتی روبه‌رو می‌شود که پیش از آن ندیده است. دانه‌ای را در خاک می‌کارد و روزها منتظر سبز شدن نخستین جوانه می‌ماند. خزان و بهار درختان را تماشا می‌کند و می‌فهمد که تغییر، بخشی از زندگی است.

آنچه در این بین برای بزرگسالان عادی و روزمره به نظر می‌رسد، برای کودک فرصتی برای شناخت جهان است. او از دل همین تجربه‌ها، مشاهده‌کردن، صبرکردن، آزمون‌و کشف‌کردن را می‌آموزد. همین بازی‌های ساده در طبیعت، بذر کنجکاوی، خلاقیت و حل مسئله را در وجود او می‌کارند. کودک تصمیم می‌گیرد، نقشه می‌کشد و می‌سازد؛ بدون آنکه کسی دائماً به او بگوید چه باید بکند و چه باید باشد. اینجاست که استقلال و خودباوری شکل می‌گیرد.

طبیعت برای کودک بخشی از حق بنیادین او برای

کودکان با دقت و بر اساس اصول استاندارد و با درنظرگرفتن «منافع عالی‌ه کودک» تعیین شد.»

گودرزی توضیح می‌دهد که این تصمیم، در ادامه جلسات پدافند غیرعامل و تشکیل کمیته بحران استان و شهرستان اتخاذ شد و مراکزی که در مجاورت مکان‌های حساس قرار داشتند، جابه‌جا شدند. اما مهم‌تر از جابه‌جایی، شیوه‌ای بود که برای نگهداری از کودکان با سپردن آنان به خانواده‌ها، چه در روستا و چه در شهر، در قالب طرح «میزبان» انتخاب شد.

به گفته او این ایده از تجربه‌های موفق گذشته و ضرورت جلوگیری از زندگی گروهی و تجمعات در شرایط بحران شکل گرفت و خانواده‌های متقاضی نیز پیش از پذیرش کودک، بر اساس شیوه‌نامه‌ها و شرایط مشخص ارزیابی شدند تا این واگذاری، هم ایمن و هم به نفع کودک باشد.

مدیرکل بهزیستی فارس تأکید می‌کند: «در این مسیر، هماهنگی با مرکز «شوق زندگی» و تعامل با «مؤسسه خانواده‌محور» در کنار برگزاری جلسات کارشناسی تخصصی، ضامن موفقیت این طرح در استان فارس شد.»

کودک، خانواده، امنیت پایدار

مدیرکل بهزیستی فارس این تجربه را فراتر از یک تصمیم اضطراری می‌داند. از نگاه او، مهم‌ترین دستاورد این طرح، اثبات دوباره این حقیقت است که کودک، بیش از هر چیز، به خانواده نیاز دارد؛ به فضایی که در آن حمایت عاطفی، امنیت روانی و حس تعلق را تجربه کند. او تأکید می‌کند: «تأمین بهداشت روان در بستر خانواده در سایه حمایت‌های اجتماعی و عاطفی، از بزرگ‌ترین درس‌های این تجربه بود. این تجربه می‌تواند الگویی برای مواجهه با بحران‌های مشابه در آینده باشد؛ الگویی که نشان می‌دهد اگر سازمان، خانواده و جامعه در کنار هم قرار بگیرند، حتی در سخت‌ترین شرایط هم می‌توان از کودکان بهتر مراقبت کرد.»

گودرزی در آخر می‌گوید بهزیستی فارس بنا دارد با حمایت از خانواده‌های داوطلب، به ویژه در موارد خاص مانند کودکان با نیازهای ویژه، این آمادگی را در آینده حفظ کند.

آنچه در شیراز گذشت، فراتر از یک جابه‌جایی اضطراری یا تغییر مکان زیستی بود. این واقعه، الگویی موفق از تاب‌آوری اجتماعی را به تصویر کشید. اگرچه انتقال این کودکان ماهیتی موقتی داشت، اما حسرت داشتن خانواده، زخمی است که شاید تا ابد در جان آن‌ها باقی بماند.

کودک است. این آسیب‌ها به طور مستقیم حقوق بنیادین کودکان را هدف قرار می‌دهند؛ حق رشد، حق سلامت، حق یادگیری و حق برخورداری از محیطی امن که کودک بتواند در آن جهان را کشف کند و با پیرامون خود پیوند برقرار سازد. کودکان حق دارند که هوای پاک تنفس کنند، به آب سالم دسترسی داشته باشند و از فرصت بازی، کشف و یادگیری در طبیعت بهره‌مند شوند. این‌ها امتیاز نیستند؛ بخشی از حقوق بنیادین کودکان‌اند.

توجه به محیط‌زیست در جنگ‌و صلح، تنها محافظت از درختان، رودخانه‌ها و خاک نیست؛ بلکه حفاظت از حق زندگی کودکان است. جنگ، زخم‌های عمیقی بر زمین و کودکی کودکانمان می‌زند؛ زخم‌هایی که با پایان جنگ التیام نمی‌یابند، بلکه با آنان بزرگ می‌شوند. شاید زمان آن باشد که در کنار همه محاسبات سیاسی و نظامی، صدای طبیعت و نسل‌هایی نیز شنیده شود که هیچ نقشی در آغاز جنگ‌ها ندارند، اما سنگین‌ترین هزینه‌های آن را می‌پردازند.



آگهی مناقصه

انستیتو پاستور ایران در نظر دارد دو میلیون عدد عدولب شیشه‌ای جهت استفاده در مجتمع تولیدی، تحقیقاتی، رماطی جدول مندرج خریداری نماید. مناقصه‌گران می‌توانند اسناد تکمیل شده را در مهلت مقرر در سامانه تدارکات دولت (سناد) بازگذاری نمایند. در ضمن پس از بازگذاری ضمانت نامه معتبر بانکی اصل آن را به دفتر حراست انستیتو واقع در تهران میدان قدس- ابتدای خیابان دکتر شرعی- پایگاه انستیتو پاستور تشریح تحویل نمایند.

نوع مناقصه	مبلغ تقریبی موضوع مناقصه	نحوه و مهلت دریافت فایل اکترونیک اسناد	مهلت ارسال پاکتهای پیشنهاد
عمومی یک مرحله‌ای	انستیتو پاستور ایران	مراجعه به سامانه تدارکات اکترونیک دولت (سناد) به آدرس: www.setadran.ir	حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۴۵۵/۴/۶

شناسه آگهی: ۲۱۹۹۷۵۵؛ الف: ۷۴۲۰

انستیتو پاستور ایران

آموزش رایگان هوش مصنوعی به دبیرستانی‌ها

برنامه دو گروه اصلی کارکنان دولت از جمله معلمان و دانش‌آموزان به عنوان نیروهای مولد آینده کشور هستند.»

او با بیان اینکه آموزش و پرورش پیش‌ازاین در مقطع متوسطه اول، درس فناوری را با نیم‌نگاهی به آموزش‌های دیجیتال در نظر داشت، اما ضرورت داشت این آموزش‌ها تکمیل و در قالبی منظم‌تر ادامه یابد افزود: پس از برگزاری جلسات و هماهنگی در سطح وزرا و معاونان وزیر، موسسه‌ای به‌عنوان مجری دوره‌ها، از سوی وزارت ارتباطات معرفی شد و از شهریورماه با هدف آشناکردن ابتدایی معلمان با مهارت‌های رقومی، اجرای طرح را آغاز کرد. ا ایسا

مدیرکل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه نظری آموزش و پرورش از ارائه آموزش کاملاً رایگان هوش مصنوعی و برنامه‌نویسی به تمام دانش‌آموزان دبیرستانی با هدیه‌های فراوان خبر داد و این اقدام را گامی عملی در جهت تحقق عدالت آموزشی و تربیت نیروی کار متخصص توصیف کرد.

«ابراهیم رفیعی»، در آیین کارگروه‌های تخصصی استانی برتر طرح ملی مهارت‌های رقومی با بیان اینکه بر اساس ماده ۶۶ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم، آموزش و پرورش و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف به گسترش آموزش‌های دیجیتال هستند گفت: «جامعه هدف این

اصفهان

مدیریت تولید و مصرف انرژی هم‌زمان

بهمن توکلی فرد – علی قاسم‌زاده، شهردار اصفهان، در حاشیه‌آیین پاسداشت تولید ۲۰ درصد انرژی خورشیدی در شهرداری اصفهان گفت: مدیریت شهری هم‌زمان در دو حوزه تولید و مصرف انرژی برنامه‌ریزی کرده است، در بخش مصرف نیز اقدامات مؤثری برای مدیریت مصرف انجام شده و کاهش مصرف انرژی در بخش‌های مختلف شهرداری به ثبِت رسیده است.

او افزود: در همین راستا تعدادی از مناطق پانزده‌گانه شهرداری و سازمان‌های وابسته از جمله سازمان آراستان‌ها و سازمان میادین میوه و تره‌بار به دلیل مدیریت مصرف انرژی مورد تقدیر قرار گرفته‌اند.

قاسم‌زاده اظهار داشت: هر بخش از مجموعه شهرداری که ظرفیت استفاده از انرژی خورشیدی را داشته باشد در این برنامه مشارکت داده می‌شود. گام مهم بعدی که مدیریت شهری دنبال می‌کند توسعه نصب پنل‌های خورشیدی با مشارکت عمومی شهروندان است که با همکاری اداره برق و سایر دستگاه‌های مرتبط دنبال خواهد شد.

به گزارش خبرنگار پیام ما، در نود و پنجمین ویژه‌برنامه به احترام مردم اصفهان که با محوریت پاسداشت تولید ۲۰ درصد انرژی خورشیدی و کسب رتبه نخست مدیریت مصرف انرژی در بخش اداری توسط شهرداری اصفهان در کتابخانه مرکزی برگزار شد، مهرداد دادخواه، مدیرعامل برق منطقه‌ای شهر اصفهان اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای شهرداری اصفهان در سال‌های اخیر، حرکت هدفمند به سمت تولید پراکنده انرژی و تقویت زیرساخت‌های شهری بوده است.

آذربایجان شرقی |

افزایش ۷۲ درصدی حجم آب‌های زیرزمینی آذربایجان شرقی

حسن نژاد- مدیرعامل شرکت‌آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی از افزایش ۷۲ درصدی حجم آب‌های زیرزمینی استان از ابتدای سال آبی جاری تا خردادماه نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبرداد.

یوسف غفارزاده، به وضعیت آب‌های زیرزمینی استان در سال آبی جاری اشاره کرد و افزود: حجم آب‌های زیرزمینی استان در خردادماه نسبت به آغاز سال آبی جاری (مهرماه ۱۴۰۴) افزایش ۱۰۵۰۶۵ میلیون مترمکعبی را ثبت کرده‌است.

او ادامه داد: باتوجه‌به افزایش بارش‌ها نسبت به مدت مشابه سال گذشته، بیشترین جریان آب‌های زیرزمینی مربوط به آبخوان‌های تبریز، مرند و دامنه‌های شمالی سهنداست.

او افزود: بیشترین جریان و افزایش تراز در آبخوان سراب با ۲۱۱ سانتی‌متر افزایش و کمترین جریان و تراز نیز در آبخوان ترکمانچای با ۵۰ سانتی‌متر افزایش ثبت شده‌است.

غفارزاده گفت: آمار ماهانه ذخیره آب زیرزمینی استان در خردادماه، باوجود بهبود بارش‌ها و وضعیت حجم آب‌های زیرزمینی استان، نسبت به مدت مشابه سال گذشته هنوز حدود ۳۳٫۵ میلیون مترمکعب کاهش را نشان می‌دهد و به تراز و حجم ماه مشابه در سال گذشته‌نرسیده‌ایم.

او افزایش برداشت‌ها، تغییرات اقلیمی، کاهش بارش‌ها و کاهش تغذیه طبیعی را از جمله دلایل کاهش تراز و حجم آب‌های

| گلستان |

رئیس واحد برنامه‌ریزی شرکت گاز استان گلستان خبر داد هوشمندسازی و ارتقای بهره‌وری عملیاتی و مدیریت دارایی‌ها

مومنی – قاسم نجاریان، رئیس واحد برنامه‌ریزی این شرکت، با تشریح فعالیت‌های این واحد در سال ۱۴۰۴، از تحقق بخش عمده‌ای از اهداف تعیین‌شده در حوزه کنترل تعمیرات و تضمین کیفیت خبر داد.
نجاریان ضمن قدردانی از حمایت‌های بی‌شائبه مدیرعامل و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر همکاران این واحد، اظهار داشت: استراتژی اصلی واحد برنامه‌ریزی در سال ۱۴۰۴، ارتقای پایداری شبکه و صیانت از دارایی‌های فیزیکی شرکت از طریق داده‌محوری و سیستم‌های هوشمند بوده است.
او یکی از اولویت‌های مهم را پایداری شبکه و مدیریت دارایی‌ها عنوان نمود و افزود: بخش کنترل تعمیرات در سال ۱۴۰۴ اقدامات کلیدی متعددی را به سرانجام رساند که از آن جمله می‌توان به تدوین برنامه زمان‌بندی دقیق تعمیرات و نگهداری تأسیسات، بازرسی‌های دوره‌ای مستمر و نظارت عالی بر اورهال ایستگاه‌های تقلیل فشار اشاره کرد.
نجاریان همچنین با اشاره به گذر از روش‌های سنتی، بر پیاده‌سازی سامانه تحت وب IGDMS جهت کنترل

پیام ایران

| البرز |

معاون وزیر جهاد کشاورزی: یک میلیون هکتار باغ کشور بازده اقتصادی مناسب ندارد

منصوریار- معاون امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی گفت: از مجموع سه میلیون هکتار از باغات کشور یک میلیون هکتار آن بازده اقتصادی مناسب ندارد.

محمد مهدی برومند در حاشیه بازدید از مزرعه تحقیقاتی مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) استان البرز افزود: بر این اساس، وزارت جهاد کشاورزی برای حمایت از باغداران ردیف‌های بودجه پیش‌بینی کرده تا بتوانیم باغ‌های کم‌بازده را حذف، جایگزین با بازاریابی کنیم.

اوبیان کرد: در کنار این اقدام، اهمیت تجاری‌سازی تولیدات نیز مدنظر است؛ چراخرومایی که‌از همین‌آب، خاک با تلاش نیروی انسانی تولید شده قیمت آن در بازار جهانی پایین باشد و نتواند با محصولات سایر کشورها رقابت کند.

معاون امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی اضافه کرد: بر این اساس استفاده از ارقام تجاری جدید و مرز دنیا برای تجاری‌سازی تولید در دستور کار قرار گرفته است.

مصرف ۲۵ تا یک میلیارد مترمکعب آب برای تولید سبزی و صیفی‌کشور پرومندی با یادآوری این نکته که ایران در جغرافیای خشک و نیمه‌خشک کره زمین قرار دارد، گفت: در این شرایط جغرافیایی میزان مصرف آب برای تولید سبزی و صیفی در کشور سالانه ۲۰۵ تا یک میلیارد مترمکعب است.

او اضافه کرد: بر این اساس با توجه به برنامه هفتم توسعه و اسناد بالادستی بنا داریم سبزی و صیفی را به سمت تولید گلخانه‌ای ببریم.

تجمید از عملکرد درخشان پالایشگاه شازند

اصلاح ساختار فلرینگ و قیمت‌گذاری محورهای اصلی اصلاحات سازمان بازرسی

آزاده فراهانی – بازرس کل امور نفت در سازمان بازرسی با اشاره به جایگاه حساس پالایشگاه شازند در امنیت انرژی کشور از مدیریت کارآمد این مجموعه تقدیر و اظهار داشت که مسائل کلیدی همچون رفع معضل فلرینگ و بازنگری در قیمت‌گذاری‌ها، به‌عنوان خطمشی اصلی این سازمان در سال جاری با نگاهی تخصصی و راهبردی دنبال خواهد شد.

با حضور در جمع کارکنان و مسئولان پالایشگاه شازند و استماع مستقیم دغدغه‌ها و مشکلات این شرکت عظیم صنعتی افزود: هدف اصلی از این حضور، تمرکز بر شنیدن مسائل و ارائه راهکار برای چالش‌های موجود است.

او اشاره کرد: در جلسه برگزار شده، سه موضوع اساسی مطرح شده که به‌عنوان خطمشی اصلی و برنامه سال جاری کشور مورد توجه قرار خواهد گرفت که مهم‌ترین این محورها، مسئله فلرینگ (سوزاندن گازهای مشعل) و نحوه قیمت‌گذاری فرآورده‌ها است.

بازرس کل امور نفت در سازمان بازرسی گفت: این موارد قرار است در سطح کارشناسان خبره بررسی و از نظرات سازنده کارکنان و مدیران پالایشگاه در این زمینه استفاده شود.

سبحانی تصریح کرد: پالایشگاه شازند به‌عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه با خوراک نفت خام در کشور، نقشی حیاتی در تأمین سوخت و بنزین دارد و از جایگاه امنیتی و ژئوای برخوردار است.

او تأکید کرد: از یک سو، رفع مشکلات این مجموعه یک تکلیف ملی تلقی می‌شود و از سوی دیگر، پالایشگاه یک بنگاه اقتصادی است که

ارائه بیش از ۱۱۹ هزار خدمت تخصصی به جامعه هدف بهزیستی در بوشهر

زهرا ماندانیان فرد- معاون توان‌بخشی اداره کل بهزیستی استان بوشهر گفت: در زمان کنونی بیش از ۱۱۹ هزار خدمت تخصصی به افراد دارای معلولیت و جامعه هدف این سازمان در استان ارائه می‌شود.

محمد کریمی در تشریح عملکرد حوزه توان‌بخشی بهزیستی استان بوشهر بیان کرد: این نهاد باهدف ارتقای کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت، سالمندان و سایر گروه‌های هدف، خدمات گسترده‌ای را در بخش‌های حمایتی، درمانی، توانمندسازی و مناسب‌سازی محیط ارائه کرده است.

بهره‌مندی ۲۳ هزار و ۵۹۷ معلول از خدمات بهزیستی معاون توان‌بخشی اداره کل بهزیستی استان بوشهر با اشاره به آمار افراد تحت پوشش اظهار کرد: در زمان کنونی ۲۳ هزار و ۵۹۷ فرد دارای معلولیت از خدمات این سازمان بهره‌مند هستند که ۶۱ درصد آنان را مردان و ۳۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند؛ بر اساس آمار، بیشترین تعداد این افراد در شهرستان دشتستان و کمترین تعداد در شهرستان عسلویه ساکن هستند.

کریمی افزود: یکی از راهبردهای اصلی این معاونت، حمایت مستمر معیشتی است که در قالب پرداخت مستمری ماهیانه صورت می‌گیرد و اکنون ۱۷ هزار و ۲۱۰ نفر به شکل منظم از این خدمت بهره‌مند می‌شوند.

| مرزی |

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

|

| خبر |

طرح احداث تصفیه‌خانه فاضلاب قم ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد

قم، تریا زنگنه- معاون فنی و مهندسی شرکت آب‌وفاضلاب قم، گفت: عملیات اجرایی تصفیه‌خانه فاضلاب استان با وجود شرایط دشوار جنگ تحمیلی سوم، هرگز متوقف نشد و پیشرفت فیزیکی پروژه از ۱۶ درصد در ابتدای این دوران، اکنون به ۳۰ درصد رسیده است. داود اویسی در جریان بازدید علی نشاط پور مدیر دفتر مطالعات شرکت مهندسی آب‌وفاضلاب کشور از تصفیه‌خانه فاضلاب در حال احداث قم، در خصوص وضعیت خط انتقال فاضلاب این تصفیه‌خانه، افزود: از مجموع ۲۱ کیلومتر خط انتقال برنامه‌ریزی شده، تاکنون ۱۶ کیلومتر اجرایی شده است و پنج کیلومتر باقی‌مانده نیز در سه جبهه کاری به طور هم‌زمان در دست اجراست.

او با بیان اینکه در صورت تخصیص به‌موقع اعتبارات، بخش‌سازی‌های ماه امسال به اتمام خواهد رسید، یادآور شد: همچنین در صورت تأمین اعتبار، مناقصه مربوط به تهیه و نصب تجهیزات تصفیه‌خانه در سال جاری برگزار خواهد شد و با نصب تجهیزات، پیش‌بینی می‌شود این پروژه تا پایان سال ۱۴۰۷ به بهره‌برداری برسد.

معاون مهندسی آبیای قم در پایان ارتقای بهداشت عمومی و زیرساخت‌های شهری را از اهداف اصلی این پروژه برشمرد و تأکید کرد: تصفیه‌خانه مذکور باهدف دفع بهداشتی فاضلاب پروژه‌های «نضت ملی مسکن» و «مسکن مهر» و همچنین رفع مشکل دفع بهداشتی فاضلاب بخش‌هایی از شهر قم و شهرک پردیس‌ان احداث می‌شود.

بهره‌برداری از خط GIS

اصلاح آرایش شبکه فوق توزیع برق شیراز

فارس، ناصری- در راستای راهبرد وزارت نیرو برای عبور موفق از پیک‌بار تابستان و ارتقای پایداری شبکه، عملیات اصلاح آرایش شبکه و بهره‌برداری از بی‌خط جدید GIS در کلان‌شهر شیراز با موفقیت اجرا شد. حجت لطیف، رئیس اداره بهره‌برداری ناحیه ۴ شیراز با اعلام این خبر گفت: با بهره‌برداری از بی‌خط جدید GIS از ایستگاه دانشگاه به ایستگاه همت، خطی به طول ۱۰٫۲ کیلومتر وارد مدار شد و این اقدام نقش مؤثری در بهبود آرایش شبکه و مدیریت بار ایفا کرد.

او افزود، همچنین با بهره‌گیری از توان تخصصی همکاران بهره‌برداری، عملیات نصب رله در ایستگاه‌های نمازی و مسلمطین و نیز انجام تنظیمات حفاظتی خط مربوطه با موفقیت به انجام رسید که این موضوع، ضمن افزایش ضریب اطمینان شبکه، قدرت مانورپذیری در بخش فوق توزیع و انتقال را به طور قابل توجهی ارتقا داد.

کریم آزادی، مدیر امور انتقال شمال و غرب با قدردانی از تلاش‌های مجموعه اجرایی این طرح، تصریح کرد: تحقق این پروژه نتیجه هم‌افزایی، پیگیری مستمر و تلاش شبانه‌روزی همکاران فنی و عملیاتی بود و بدون همکاری و تعامل بخش‌های مختلف به ثمر نمی‌رسید.

نوبت اول	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال	حوزه ثبت ملک ماسال
از اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان ماسال	از اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال	به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابرری شماره ۱۴۰۴/۳۱۸/۲۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم سید تقی علوی خاتناهر فرزند سیدحسین بشماره شناسنامه ۵، صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵/۶۸ مترمربع پلاک فرعی ۱۵۸۷ از اصلی بخش ۱۶ کیلان واقع در دوله ملال ماسال مفروزی از ۲۱ فرعی خریداری از مالک رسمی نازآقا استوار محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابرری شماره ۱۴۰۴/۳۱۸/۲۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم معاد دینا پاشمک فرزند اردشیر بشماره شناسنامه ۴، صادره از ماسال در شش دانگ یکباب مغازه به مساحت ۷۶/۳۷ مترمربع پلاک فرعی ۳۷۹ از اصلی ۶ بخش ۱۶ کیلان واقع در شیخ‌نشین شاندرن مفروزی از ۴۳ فرعی خریداری از مالک رسمی ناصر رفعتی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲
یداله شهبازی چلمه سرا – سرپرست اداره ثبت‌استاد و املاک ماسال	یداله شهبازی چلمه سرا – سرپرست اداره ثبت‌استاد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی	از طرف صائمه امجدی
شناسه آگهی: ۲۱۹۴۷۸۱ م الف: ۶۴۱	شناسه آگهی: ۲۱۹۴۷۸۱ م الف: ۶۴۱

نوبت اول	اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان کرمان
حوزه ثبت ملک ماسال	اداره ثبت‌استاد و املاک حوزه ثبت ملک جیرفت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
ساختمان‌های فاقد سند رسمی	ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابرری اصلاحی شماره ۱۴۰۵/۳۱۹/۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴- هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جیرفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم بهناز سجری بنستانی فرزند هدایت بشماره شناسنامه ۶۱۲ صادره از جیرفت درشش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰٫۷۳ مترمربع پلاک ۲۲۵ فرعی از ۶۹ – اصلی مفروزی مجزی شده از پلاک ۵۰ فرعی از ۶۹ – اصلی قطعه یک واقع در اراضی بنستان جبالبارز جیرفت بخش ۳۴ کرمان خریداری از مالک رسمی خانم بهناز سجری محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت یک ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	برابرری اصلاحی شماره ۱۴۰۵/۳۱۹/۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴- هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جیرفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم بهناز سجری بنستانی فرزند هدایت بشماره شناسنامه ۶۱۲ صادره از جیرفت درشش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰٫۷۳ مترمربع پلاک ۲۲۵ فرعی از ۶۹ – اصلی مفروزی مجزی شده از پلاک ۵۰ فرعی از ۶۹ – اصلی قطعه یک واقع در اراضی بنستان جبالبارز جیرفت بخش ۳۴ کرمان خریداری از مالک رسمی خانم بهناز سجری محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸
محمد کردستانی	محمد کردستانی
رئیس اداره ثبت‌استاد جیرفت	رئیس اداره ثبت‌استاد جیرفت
شناسه آگهی: ۲۱۹۰۸۸۹	شناسه آگهی: ۲۱۹۰۸۸۹

نوبت اول	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال	حوزه ثبت ملک ماسال
از اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان ماسال	از اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال	به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابرری شماره ۱۴۰۴/۳۱۸/۲۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم معاد دینا پاشمک فرزند حسین بشماره شناسنامه ۵، صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین شالیزار به مساحت ۵۸۳۴/۸۰ مترمربع پلاک فرعی ۱۵۸۷ از اصلی بخش ۱۶ کیلان واقع در دوله ملال ماسال مفروزی از ۲۱ فرعی خریداری از مالک رسمی ناز آقا استوار محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابرری شماره ۱۴۰۴/۳۱۸/۲۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم سید تقی علوی فرزند سید حسین بشماره شناسنامه ۵، صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین شالیزار به مساحت ۵۸۳۴/۸۰ مترمربع پلاک فرعی ۱۵۸۷ از اصلی بخش ۱۶ کیلان واقع در دوله ملال ماسال مفروزی از ۲۱ فرعی خریداری از مالک رسمی ناز آقا استوار محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲
یداله شهبازی چلمه سرا – سرپرست اداره ثبت‌استاد و املاک ماسال	یداله شهبازی چلمه سرا – سرپرست اداره ثبت‌استاد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی	از طرف صائمه امجدی
شناسه آگهی: ۲۱۹۴۸۵۰ م الف: ۶۳۹	شناسه آگهی: ۲۱۹۴۸۵۰ م الف: ۶۳۹

نوبت اول	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال	حوزه ثبت ملک ماسال
از اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان ماسال	از اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال	به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابرری شماره ۱۴۰۵/۳۱۸/۲۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم سید تقی علوی فرزند سید حسین بشماره شناسنامه ۵، صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین شالیزار به مساحت ۵۸۳۴/۸۰ مترمربع پلاک فرعی ۱۵۸۷ از اصلی بخش ۱۶ کیلان واقع در دوله ملال ماسال مفروزی از ۲۱ فرعی خریداری از مالک رسمی ناز آقا استوار محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌	

روزنامه سیاسی - اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صدیان
دبیر عکس: یاسر خدشی

دبیر محیط زیست: فاطمه بااخانی
دبیر گزارش: مهتاب چودکی
دبیر میراث و گردشگری: فرزانه قبادی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: زهرا علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتنویست: هجتی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقامالیی، شیواکوی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ها:	آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌مجردی ۰۹۰۵۲۱۲۵۵۹	برگزاری رویداد: داخلی ۳	تحریریه: داخلی ۱	تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰
www.payamema.ir/akhlagh	آگهی‌های تهران: لیلی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶	مدیرمسئول: داخلی ۴	استان‌ها: داخلی ۲	شماره نامبر: ۰۲۱-۷۴۲۲ ۷۱۰۵
@payamema ۸۴۹۴ ۳۳۳ ۰۹۰۳	ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com	ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com	تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰	
www.payamema.ir	ایمیل تحریریه: khabar.payamema@gmail.com	ایمیل تحریریه: khabar.payamema@gmail.com	تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۸۰۸۶	

تاریخ‌حواله |

«نوید پویش»، مجموعه‌دار از تاریخ واکازکرد تمبرها در جهان می‌گوید

سفیران کاغذی فرهنگ

از «پنی سیاه» انگلستان تا «سری باقری» در ایران قاجار، تمبرها هیچ‌گاه فقط تکه‌هایی کوچک از کاغذ نبوده‌اند. آن‌ها روایتگر تاریخ‌اند؛ اسنادی که نشان می‌دهند جهان چگونه تغییر کرده، دولت‌ها چگونه خود را به دیگران معرفی کرده‌اند و ایدئولوژی‌ها چگونه از دل تصویر و رنگ راهشان را به دورترین نقاط دنیا باز کرده‌اند. البته در دورانی که نامه‌ها جای خود را به پیام‌های فوری داده‌اند، تمبرها نیز کم‌کم از زندگی روزمره کنار رفته‌اند.
باین‌حال، برای مجموعه‌داران، این تکه‌های کوچک کاغذ همچنان اسنادی تاریخی‌اند که ردپای تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشورها را در خود حفظ کرده‌اند. نوید پویش، مجموعه‌دار تمبر در گت‌وگو با «پیام ما» از تاریخ تمبر در ایران و جهان، بازار مجموعه‌داران و سرزوشت سفیران کاغذی فرهنگ در عصر دیجیتال می‌گوید.



ارمیم کاظمی‌زاده‌ا

اخیرنگار ا

«نوید پویش» سال‌هاست که در دنیای تمبرها زندگی می‌کند. او در میان آلبوم‌های قدیمی و مجموعه‌های ارزشمندش، نه فقط به دنبال تمبرهای کمیاب، بلکه به دنبال روایت‌هایی

است که روی این کاغذهای کوچک نقش بسته‌اند. او تمبر را «سفیر فرهنگی» می‌نامد؛ سفیری که از یک دفتر پست کوچک راهی جهان می‌شود و در مسیر خود، بخشی از هویت یک کشور را به نمایش می‌گذارد. به گفته او، اگر کسی بخواهد تاریخ معاصر جهان را در قالبی متفاوت مرور کند، کافی است آلبوم یک مجموعه‌دار تمبر را ورق بزند.

آن‌طور که او می‌گوید؛ داستان تمبرهای مدرن از لندن قرن نوزدهم آغاز می‌شود. سال ۱۸۴۰ میلادی، زمانی که نظام پستی بریتانیا با اصلاحی بزرگ رویه‌رو شد؛ «همه چیز از ابدی‌ای آغاز شد که «سر رولند هیل» مطرح کرد؛ پیشنهادی که در زمان خود جسورانه به نظر می‌رسید. تا پیش از



اخیرنگار ا

اطلاع‌رسانی |

رونمایی از تمبر «دلفین گوژپشت خلیج فارس»

«نوری» پیش‌گام حوزه مسئولیت اجتماعی شد

پیام ما | ۱۷ خرداد ۱۴۰۵
آیین رونمایی از تمبر یادبود «دلفین گوژپشت خلیج فارس» با حضور ایلاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، دکتر تقوی نژاد، احمدی معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و مدیرعامل شرکت ملی پست، جمشیدی مدیرعامل شرکت پتروشیمی نوری، احمدی رئیس کمیسیون انرژی مجلس، شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، قیصری رئیس فراکسیون نظارت بر صنعت نفت، گاز و پتروشیمی مجلس، لاهیجان زاده معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست، دبیری نژاد نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد در شورای



باقری» شناخته می‌شود و برای مجموعه‌داران اهمیت ویژه‌ای دارد. انتشار این تمبرها آغاز مسیری بود که بعدها به عضویت ایران در اتحادیه جهانی پست و پیوستن کشور به استانداردهای نوین ارتباطی انجامید.»

باین‌حال، ارزش تمبرهای قاجاری امروز فقط به نقش آن‌ها در تاریخ پست ایران محدود نمی‌شود. بسیاری از این تمبرها اکنون به آثار ارزشمند کلکسیون‌ی تبدیل شده‌اند و بازار خریدوفروش آن‌ها همچنان پررونق است. البته این بازار پیچیدگی‌های خاص خود را نیز دارد. پویش می‌گوید: «تعداد نسخه‌های جعلی برخی تمبرهای قدیمی به‌اندازه‌ای زیاد است که تشخیص نمونه اصل از تقلبی، بدون دانش تخصصی و تجربه طولانی تقریباً غیرممکن است. همین مسئله باعث شده دنیای مجموعه‌داران تمبر بیش از آنکه به یک سرگرمی ساده شباهت داشته باشد، به حوزه‌ای تخصصی و حرفه‌ای تبدیل شود.»

اما جذابیت تمبرها فقط در ارزش تاریخی یا اقتصادی آن‌ها خلاصه نمی‌شود. پویش معتقد است هر تمبر در حقیقت بازتابی از روحیات و نگاه یک ملت است. اواز چیزی سخن می‌گوید که آن را «روان‌شناسی طراحی غیرممکن» می‌نامد؛ اینکه چگونه انتخاب رنگ‌ها، تصاویر نمادها و حتی شیوه طراحی می‌تواند بخشی از هویت فرهنگی یک جامعه را آشکار کند. به باور او، اگر مجموعه تمبرهای کشورهای مختلف را کنار هم قرار دهیم، می‌توانیم تفاوت‌های فرهنگی و فکری ملت‌ها را به‌خوبی مشاهده کنیم.

او برای توضیح این موضوع به آلمان اشاره می‌کند؛ کشوری که نظم و ساختار ذهنی مردمش در طراحی تمبرها نیز قابل‌مشاهده است. در نقطه مقابل، تمبرهای دوران جنگ سرد را مثال می‌زند؛ زمانی که کشورهای بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی از تمبر به‌عنوان ابزاری برای تبلیغات ایدئولوژیک استفاده می‌کردند. روی این تمبرها، تصاویر کارگران، صنایع سنگین، رهبران سیاسی و نمادهای کمونیستی دیده می‌شد؛ تصاویری که قرار بود پیام سیاسی یک نظام را به سراسر جهان منتقل کنند.

او اضافه می‌کند: «از این منظر، تمبرها چیزی شبیه آرتشیو مصور تاریخ جهان هستند. مجموعه‌ای از روایت‌های کوچک که کنار هم تصویری بزرگ‌تری می‌سازند. وقتی یک مجموعه‌دار آلبوم تمبرهای ورزشی را ورق می‌زند، در واقع تاریخ مسابقات، قهرمانان و رویدادهای مهم ورزشی را مرور می‌کند. تمبرهای مربوط به المپیک، جام‌های جهانی، اکتشافات علمی یا رویدادهای فرهنگی، هر کدام بخشی از حافظه تاریخی بشر را در خود نگه داشته‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند کدام کشورها در چه دوره‌ای در کانون توجه بودند، چه رویدادهایی اهمیت جهانی پیدا کرده‌اند و حتی چگونه مرزهای سیاسی در طول زمان تغییر کرده‌اند.»

در میان روایت‌های جذاب دنیای تمبر، پویش به ماجرای کمتر شناخته‌شده نیز اشاره می‌کند. او از دوره‌ای میان سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ میلادی یاد می‌کند که برخی شیخ‌نشین‌های کوچک حوزه خلیج فارس، از جمله «فجیره» و چند امارت

دیگر، راهبرد متفاوتی را در پیش گرفتند. این کشورها برای آنکه نام خود را در سطح بین‌المللی مطرح کنند و هم‌زمان درآمدی ارزی به دست آورند، اقدام به چاپ انبوه تمبرهایی کردند که گاه هیچ ارتباطی با تاریخ، فرهنگ یا جغرافیای خودشان نداشت.

روی این تمبرها می‌شد تصاویر نقاشی‌های مشهور جهان، شخصیت‌های بین‌المللی، مسابقات ورزشی یا موضوعات علمی را دید. هدف روشن بود؛ جذب مجموعه‌داران جهانی. پویش این اقدام را نوعی بازاریابی هوشمندانه می‌داند. به گفته او، این شیخ‌نشین‌ها با استفاده از بازار جهانی تمبر توانستند نام خود را وارد آلبوم‌های کلکسیونرها در سراسر دنیا کنند و به شکلی غیرمستقیم برای خود اعتبار بین‌المللی به دست آورند.

با وجود تمام این جذابیت‌ها، پویش از اتفاقی تحولات سال‌های اخیر در حوزه تمبر ایران بوده و به شکلی غیرمستقیم چهار یا پنج سال است که فراتر از یک تغییر اداری است. او معتقد است حذف تمبر از نامه‌های روزمره، به معنای حذف یکی از مهم‌ترین ابزارهای معرفی فرهنگی کشور است. در گذشته، هر نامه‌ای که از ایران به نقطه‌ای دیگر از جهان فرستاده می‌شد، تصویری از تاریخ، هنر، طبیعت یا فرهنگ ایران را نیز با خود حمل می‌کرد. تمبرها در واقع ویرتینی کوچک اما اثرگذار برای معرفی کشور بودند. امروز اگرچه تمبرهای یادبود و مناسبتی همچنان منتشر می‌شوند، اما دیگر نقش کاربردی خود را از دست داده‌اند و بیشتر به کالاهایی برای خریدوفروش در بازار کلکسیونرها تبدیل شده‌اند.

پویش معتقد است اگر قرار باشد تمبر در جهان امروز همچنان زنده بماند، باید خود را با نسل‌های جدید سازگار کند. او به تجربه برخی کشورهای اروپایی اشاره می‌کند که برای جذب مخاطبان جوان، سراغ موضوعات محبوب فرهنگ عامه رفته‌اند. انتشار تمبرهایی با تصاویر شخصیت‌های هری پاتر، ارباب حلقه‌ها یا دیگر آثار شناخته‌شده، تلاشی برای پیونددادن دنیای سنتی تمبر با علاقین نسل‌های جدید است.

اما در ایران، به گفته او، چنین رویکردی چندان جدی گرفته نشده است. او با حسرت از فاصله نسل جدید با دنیای تمبر سخن می‌گوید؛ نسلی که کمتر فرصتی برای آشنایی با این سرگرمی پیدا کرده است. نه در مدارس آموزشی «دربار تمبر» وجود دارد و نه نمایشگاه‌ها و رویدادهای مرتبط توانسته‌اند مخاطبان گسترده‌ای جذب کنند. درحالی‌که جمع‌آوری تمبر، به گفته او، یکی از ارزان‌ترین و درعین‌حال آموزنده‌ترین سرگرمی‌هاست؛ فعالیتی که می‌تواند دانش تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی افراد را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

با وجود همه این چالش‌ها، بازار تمبر در ایران هنوز زنده است. پویش می‌گوید کتاب‌های

قیمت‌گذاری، مبادلات تخصصی میان مجموعه‌داران و تلاش برای یافتن تمبرهای کمیاب همچنان ادامه دارد. حتی محدودیت‌های موجود نیز نتوانسته‌اند اشتیاق علاقه‌مندان را از میان ببرند. هنوز کسانی هستند که برای به‌دست‌آوردن یک تمبر نادر سال‌ها جست‌وجو می‌کنند و هنوز آلبوم‌هایی وجود دارد که صاحبانشان آن‌ها را نه مجموعه‌ای از کاغذها، بلکه بخشی از حافظه تاریخی بشر می‌دانند.

برای نوید پویش، تمبر تنها یک سرگرمی نیست. او معتقد است هر تمبر بخشی از حافظه جمعی جهان را در خود حفظ کرده است؛ حافظه‌ای که اگر فراموش شود، بخشی از روایت ملت‌ها نیز از میان خواهد رفت. شاید به همین دلیل است که هنوز امیدوار است روزی دوباره کودکان در مدارس با تمبر آشنا شوند؛ با این ایده ساده اما شگفت‌انگیز که می‌توان جهان را در یک آلبوم کوچک جا داد و با هر صفحه‌ای که ورق می‌خورد، به کشوری دیگر سفر کرد.

تمبرها در واقع ویرتینی کوچک

اما اثرگذار برای معرفی کشور

بودند. امروز اگرچه تمبرهای

یادبود و مناسبتی

همچنان منتشر می‌شوند

اما دیگر نقش کاربردی خود را

از دست داده‌اند و بیشتر

به کالاهایی برای خریدوفروش

در بازار کلکسیونرها

تبدیل شده‌اند

نوید پویش معتقد است

اگر قرار باشد تمبر در جهان

امروز همچنان زنده بماند

باید خود را با نسل‌های جدید

سازگار کند. او به تجربه

برخی کشورهای اروپایی

اشاره می‌کند که برای جذب

مخاطبان جوان

سراغ موضوعات محبوب

فرهنگ عامه رفته‌اند

توسعه زمانی پایدار خواهد بود که همراه با حفاظت از محیط‌زیست باشد.»

توسعه زمانی پایدار خواهد بود که همراه با حفاظت از محیط‌زیست باشد.»
لاهیجان‌زاده»، معاون محیط‌زیست دریایی وتالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست، با اشاره به افزایش توجه نهادهای قانون‌گذار به مسائل محیط‌زیستی اظهار داشت: «خوشبختانه امروز موضوع محیط‌زیست در اولویت‌های مجلس و کمیسیون‌های تخصصی قرار گرفته و امیدواریم این نگاه خردمندانه در مسیر توسعه کشور تداوم یابد.»
در بخش دیگری از این مراسم، «قیصری»، رئیس فراکسیون نظارت بر صنعت نفت، گاز و پتروشیمی مجلس شورای اسلامی، ضمن قدردانی از تلاش فعالان صنعت پتروشیمی، به ویژه کارکنان و مدیران پتروشیمی نوری، گفت: «صنعت پتروشیمی در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه بوده، اما مدیران این صنعت با روحیه جهادی در مسیر حفظ تولید و توسعه حرکت کرده‌اند.»
او افزود: «با وجود محدودیت‌ها و مشکلات موجود، پتروشیمی نوری مسئولیت‌های اجتماعی خود را فراموش نکرده است. مجلس نیز حمایت از توسعه زیرچرخه ارزش، اشتغال‌زایی و بازسازی صنایع را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و در این مسیر همراه صنعت خواهد بود.»

«مراذزاده»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان بوشهر نیز با تبریک هفته محیط‌زیست، اظهار کرد: «حفظ محیط‌زیست در حقیقت حفظ امنیت ملی است. آنچه امروز شاهد آن هستیم صرفاً رونمایی از یک تمبر نیست، بلکه ترویج یک کنش نوین نسبت به محیط‌زیست است.»

او دلفین گوژپشت خلیج فارس را یکی از گونه‌های شاخص اکوسیستم دریایی منطقه دانست و افزود: «این گونه ارزشمند نمادی از سلامت زیست‌بوم خلیج فارس است. اقدام پتروشیمی نوری در ثبت و معرفی این گونه از طریق انتشار تمبری می‌تواند الگوی مؤثر برای سایر صنایع و استان‌های کشور باشد.»

توسعه زمانی پایدار خواهد بود که همراه با حفاظت از محیط‌زیست باشد.»
لاهیجان‌زاده»، معاون محیط‌زیست دریایی وتالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست، با اشاره به افزایش توجه نهادهای قانون‌گذار به مسائل محیط‌زیستی اظهار داشت: «خوشبختانه امروز موضوع محیط‌زیست در اولویت‌های مجلس و کمیسیون‌های تخصصی قرار گرفته و امیدواریم این نگاه خردمندانه در مسیر توسعه کشور تداوم یابد.»
در بخش دیگری از این مراسم، «قیصری»، رئیس فراکسیون نظارت بر صنعت نفت، گاز و پتروشیمی مجلس شورای اسلامی، ضمن قدردانی از تلاش فعالان صنعت پتروشیمی، به ویژه کارکنان و مدیران پتروشیمی نوری، گفت: «صنعت پتروشیمی در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه بوده، اما مدیران این صنعت با روحیه جهادی در مسیر حفظ تولید و توسعه حرکت کرده‌اند.»
او افزود: «با وجود محدودیت‌ها و مشکلات موجود، پتروشیمی نوری مسئولیت‌های اجتماعی خود را فراموش نکرده است. مجلس نیز حمایت از توسعه زیرچرخه ارزش، اشتغال‌زایی و بازسازی صنایع را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و در این مسیر همراه صنعت خواهد بود.»

«مراذزاده»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان بوشهر نیز با تبریک هفته محیط‌زیست، اظهار کرد: «حفظ محیط‌زیست در حقیقت حفظ امنیت ملی است. آنچه امروز شاهد آن هستیم صرفاً رونمایی از یک تمبر نیست، بلکه ترویج یک کنش نوین نسبت به محیط‌زیست است.»

او دلفین گوژپشت خلیج فارس را یکی از گونه‌های شاخص اکوسیستم دریایی منطقه دانست و افزود: «این گونه ارزشمند نمادی از سلامت زیست‌بوم خلیج فارس است. اقدام پتروشیمی نوری در ثبت و معرفی این گونه از طریق انتشار تمبری می‌تواند الگوی مؤثر برای سایر صنایع و استان‌های کشور باشد.»

انتشار روزنوشت‌هایی

از تهران در جنگ

۴۰ روزه در انگلستان

نشر انگلیسی «NOP» اعلام کرده است که به‌زودی کتاب «وقتی گنجشک‌ها مضطرب می‌شوند» نوشته «علی‌اصغر سیدآبادی» را منتشر خواهد کرد. سیدآبادی نگارش این یادداشت‌ها را از ۹ اسفند، هم‌زمان با آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز کرد و تا یک روز پس از اعلام آتش‌بس ادامه داد. او از آغاز این یادداشت‌ها را به‌صورت روزانه و برای نویسندگان بین‌المللی کتاب کودکان و نوجوانان نوشته و کتاب علاوه بر ۵۰ روزنوشت شامل واکنش‌ها و گفت‌وگوهای ۴۴ نویسنده و هنرمند از کشورهای آمریکا، انگلستان، ژاپن، فرانسه و... است.

روی جلد کتاب براساس عکسی از خبرنگاری «ایرنا» از «اکبر توکلی» طراحی شده است و در نسخه دیجیتال کتاب از عکس‌های عکاسان ایرنا و دیگر عکاسان ایرانی استفاده شده است.

نسخهٔ فارسی کتاب نیز به‌زودی در ایران توسط نشر «اگه» منتشر خواهد شد.

«نیک اون»، ناشر انگلیسی کتاب، در متنی دلیل انتخاب این کتاب برای انتشار را توضیح داده است: در ایران یک ضرب‌المثل مشهور وجود دارد: «کار کار انگلیسی‌هاست». هرچند دولت بریتانیا در آغاز جنگ آمریکا علیه ایران از آن حمایت نکرد، اما این دولت - ملت در طول دهه‌های گذشته در این منطقه کارنامهٔ چندان درخشانی از خود بر جای نگذاشته است. بسیاری از ما که در انگلستان بزرگ شده‌ایم و از دور به درگیری‌های پایان‌ناپذیر خاورمیانه نگاه کرده‌ایم، اغلب احساس کرده‌ایم که نه‌تنها در فهم این منازعات درمانده‌ایم، بلکه حتی نمی‌دانیم چگونه می‌توان در حل آن‌ها سهمی داشت. تنها در بیش از بیست سال گذشته، بسیاری از کسانی که گمان می‌کردیم متفکرانی پیشرو هستند و می‌توانند نقشی مؤثر در برقراری صلح در منطقه ایفا کنند، به نسخه‌های دیگری از همان جنگ‌طلبان تبدیل شدند و همچنان به ویرانی دامن زدند. مشارکت دولت بریتانیا در جنگ عراق، نمونه‌ای آشکار از این واقعیت است. با چنین پیش‌زمینه‌ای در ذهن، و با درنظرگرفتن جنون‌های اخیر ترامپ («...») این پرسش مطرح می‌شود که یک ناشر مستقل مانند NOP چگونه باید واکنش نشان دهد؟

در اوایل ماه مه، از طریق دوست قدیمی‌مان در سیدنی استرالیا، «تریش آمیچ»، و همکارش «لیلی یزدی» - که سال‌هاست با علی سیدآبادی همکاری دارد- این افکار نصیب ما شد که با علی آشنا شویم. آن‌ها در تلاش بودند تا کتاب «وقتی گنجشک‌ها مضطرب می‌شوند» هرچه سریع‌تر منتشر شود و خوشبختانه ما در موقعیتی بودیم که بتوانیم از این تلاش حمایت کنیم و آن را به انجام برسانیم.

انتشارات ما با یک باور ساده بنیان گذاشته شد: اینکه ناشران کوچک و مستقل نه‌تنها وظیفه دارند خوانندگان را سرگرم کنند، بلکه مسئولیت دارند روایت‌هایی را جدی بگیرند که ممکن است هرگز شنیده نشوند. ما کتاب‌هایی منتشر می‌کنیم که انسانی، متمایز و اندیشمندانه هستند و گاه طبقه‌بندی‌شان دشوار است. برخی طنزآمیزند، برخی تأمل‌برانگیز و برخی عامدانه نامتعارف. اما ما متعهدیم که در قلب هر کتابی که منتشر می‌کنیم «صدایی» وجود دارد: برآمده از چشم‌انداز فردی، تجربه‌زیسته، یادداشت‌حاشیه‌ای، مشاهدهٔ شخصی وروایتی که از زاویه‌ای متفاوت با روایت رسمی نوشته شده است. «کتاب وقتی گنجشک‌ها مضطرب می‌شوند: یادداشت‌هایی از تهران در جنگ» کاملاً در همین سنت جای می‌گیرد. این کتاب بافت و جنس زندگی روزمره را در زیر فشار شرایطی استثنایی ثبت می‌کند. از خلال یادداشت‌های روزانه، تأملات، خاطرات و مشاهده‌های دقیق، به خوانندگان اجازه می‌دهد تجربه کنند که جنگ با زمان، زبان، خانواده، دوستی، شوخ‌طبعی، ترس و امید چه می‌کند.

ما این کتاب را منتشر می‌کنیم، زیرا از مکانی سخن می‌گوییم که اغلب دربارهٔ آن صحبت شده، اما کمتر به آن گوش سپرده‌اند. این اثر روایتی صمیمی از تهران در دوره‌ای سرشار از خطر و بی‌اطمینانی ارائه می‌دهد، اما درعین‌حال از مرزهای یک شهر و یک درگیری فراتر می‌رود. این کتاب می‌پرسد وقتی رویدادهای عمومی به حریم زندگی خصوصی هجوم می‌آورند، انسان بودن چه معنایی پیدا می‌کند. می‌پرسد چگونه آدم‌ها همچنان به پرندگان، غذا، شوخی‌ها، کتاب‌ها، همسایه‌ها و آبوهوا توجه می‌کنند، درحالی‌که تاریخ پشت پنجره‌ایستاده و بر زندگی‌شان فشار می‌آورد. برای یک ناشر مستقل، این موضوع اهمیت دارد.

آگهی مفقودی

تمامی مدارک، خودروی سواری سایپا تیب صبا (جی تی ایکس)، مدل ۱۳۷۹، رتگروغنی سفید شوری به شماره موتور ۱۴۹۶۶۹ شماره شاسی 51412279630013 وپه شماره پلاک ۱۹ ایران ۹۲۷ س ۲۸ به نام بهرام میرزایی مفقود گردیده‌وا در وجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فزون